انکشاف

نشریهء سه ماهه

هماهنگی کمکها برای افغانها



د Strategic Planning ورکشاپ چی د NCA په مالی مرسته د CoAR د موسسی د کارکونکو لپاره

په ۱۹۹۹ کی سرته ورسید، د دی مؤسسی لپاره د روښانه راتلونکی یو زیری دی

بسم الله الرحمن الرحیم

انکشاف

Inkeshaf

نشریهء هماهنگی کمکها برای افغانها

Jaunary -June 1999 Vol No: 13 - 14 سال سوم - شمارهء سیزده هم و چهارده هم(دلو ۱۳۷۷-سرطان ۱۳۷۸)

در برگهای این شماره

ادارهء نشر کننده :

هماهنگی کمکها برای افغانها

سال تأسیس:

۱۳۷۵ هـ ش مطابق ۱۹۹٦ عیسوی

آدرس دفتر:

خانه نمبر ۱۹، چنار رود

یونیورستی تاون، پشاور، نمبر تیلفون ٤۰۷۸۹، فکس ٤۲۷۸۹

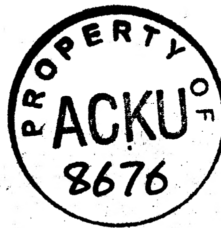
نمبر پست بکس یو پی. او. ۱۰۱۳

یادداشت

مدیریت مجله انکشاف مسرت دارد که از همه هموطنان عزیز و دست اندر کاران عرضه فرهنگ صمیمانه دعوت به عمل می آورد تا مطالب ارزشمند خود را در رابطه به اعاده صلح و اعمار مجدد افغانستان بخصوص در بخش های تعلیم و تربیه، صحت عامه، زراعت، ساختمان و غیره به ما ارسال دارند که از طریق مجله انکشاف به نشر سپرده شود تا ازیك طرف باعث غنا و تنوع مطالب مجله گردد و از جانب دیگر سهم خود را ایفا نموده و مصدر خدمت به هموطنان خود شوند.

از همکاری تان قلباً سپاسگزاریم. با عرض حرمت (اداره)





طرحها، پلانها، امیدواری ها

انسان در جاده، زنده گی ره می زند و به پیش می تازد و درین راستا با اندوختن تجارب و بدست آوردن دانشها و بینشها تلاش می ورزد که روز تا روز پله های ارتقأ و انکشاف را یکی پس از دیگر طی نموده و خود را به قله های بلند ترقی و پیشرفت برساند.

این تلاشها هر چند در برخی از موارد، با موانعی بر می خورد و هر چند گاهی مورد شماتت تاریخ قرار می گیرد، اما انسان آگاه و پیشرو، هیچگاهی درین تلاش و پویش از پا نمی افتد و پیوسته در پی آنست تا هر روز طرح نو دراندازد و پدیده تازه یی ارمغان جهان انسانیت نماید.

اختراعات و اکتشافات دنیای امروز سخت شگفتی انگیز و سریع است، بایست با قافله، زمان در حرکت بود و در شاهراه زنده گی پویا.

و درین میان از ورای دود و غبار کشور خویش را می نگریم، میهن زخم خورده، خود را که در اثر جنگها از یکسو و مصایب و حوادث طبیعی از سوی دیگر، بیش از هر روز و روزگاری به آبادانی، بازسازی، سربرآوردن از رکود و سکوت و قرار گرفت در راه انکشاف و پیشرفت نیاز دارد. و درین امر مبرم و تاریخی فرزندان صالحی می خواهد تا زخمهایش را التیام بخشیده و از حالت ایستایی به جاده پویایی گامزن سازد. چنین جامعه یی می تواند در طریق انکشاف ره زند و روزتا روز جایش را در میان جوامع پیشرو و مترقی باز نماید. این تلاشها و رسیدن به این مامول امکاناتی می خواهد و دستهای یاری رسان.

آری، ساختمان و انکشاف یك جامعه به ویژه جوامعی همچون سرزمین ما کار پیگیر می خواهد و تلاش خسته گی ناپذیر.

خوشبختانه امروز هستند مؤسساتی که به خاطر این زخمها و به خاطر رفع این عقب مانی ها و بالاخره به خاطر انکشاف و ارتقأ جامعه افغانی سعی انسانی نموده و درین راه آگاهانه و

بقیه در صفحه (۳۶)

زلزله

ویرانی، مصیبت و دستهای مددرسان

هم میهنان درد دیده، ما در کنار مصایب جنگ و بدبختی های گوناگون درین دو سال اخیر از آفات طبیعی نیز مصؤون نمانده و هر چند گاهی زمین لرزه های مهیب و ویرانگر،خانه و کاشانهء نیمه ویران شان را می لرزاند، درست در یکسال قبل شاهد ماتم و عزای مردم بلا کشیدهء خویش در ولایت تخار بودیم که دست ویرانگر زلزله آنها را بخاك و خون نشانده بود، و هنوز زخمهای ناشی ازین حادثهء دلخراش التیام نیافته بود که سال بعد در گوشهء دیگری از میهن ما زمین دهن باز نمود و بازهم تعداد زیادی از مردان، زنان، کودکان و موسفیدان، و مردم بیگناه و شماری از مواشی را بکام خویش فرو برد، واحسرتاً که بازهم نیازمند ترین مردم قربانی این فاجعهء طبیعی شدند.

... و اما اگر مصیبت بزرگ است، باری تعالی را سپاسگزاریم که دست های یاری دهنده یی هم هست که مردم را و انسان در مانده را در همچو موارد دستگیری کند، دست های مهربانی هست که نمیگذارد اشك کودکان از دیده بدامن بلغزد، مؤسسات بشر دوست و خیر خواهی

وجود دارند که در هنگام حادثه بی دریغ و بی ترس و هراس به کمك همنوعش، هموطنش می شتابد. تا از بار سنگین حادثه بکاهد، زخمها را التیام بخشیده و مستمندان را مساعدت و یاری نمایند.

قسمی که آگاهی دارید در زمستان سال روان زلزله شدیدی ولایات وردك و لوگر را تکان داد و قسمی که گفتیم این درست یکسال بعد از زمین لرزه یی بود که در شمال کشور ما رخ داده بود. موسسه هماهنگی کمك ها برای افغانها CoAR به مجرد اطلاع یافتن ازین سوگ عظیم، بی درنگ و بدون ضیاع وقت دست بکار شد تا هر آنچه در اختیار دارد و هر آنچه ممکن است به مردم زلزله زده این ولایات ارزانی دارد، درین زلزله صد ها قریه تخریب و صد ها هموطن ما شهید و زخمی شدند، زمستان از یکسو و زلزله از سوی دیگر سردی و ویرانی...

اما درین لحظه یأس بازهم موسسه CoAR دست بکار گردید و بگونهء عاجل با مرجع کمك دهنده خویش (NCA) در تماس شده و با سایر پارترتان خویش در توأمیت پلان عاجلی را جهت کمك رسانی به آسیب دیده گان زلزله روی دست گرفتند و بلا فاصله فعالیت های امداد رسانی برای این مردم آغاز گردید.

مسؤولین CoAR در همراهی با پارتنران (.RRAA RADA) بطور منظم وهماهنگ با پلان طرح شده گروپهای سروی را به ولایات وردك و لوگر اعزام نمودند، تیم های سروی تلاش ورزیدند تا از یکسو خسارات جانی و مالی ناشی از زلزله را تعیین و تثبیت نمایند واز جانب دیگر در مجالس ترحیم و فاتحه هموطنان سوگوار ما صمیمانه شرکت ورزند که به یاری خداوند بزرگ در هر دو مورد قرین موفقیت بودند. و اینك توجه خواننده گان گرانقدر فصلنامهء انکشاف را به گزارشی معطوف می داریم که از جریان این حادثه وعملیات امداد رسانی تهیه گردیده است.



نمای از ویرانی توسط زلزله در ولایت وردك

زمانیکه گروپهای امدادی وارد ولایات وردك و لوگر گردیدند اثر زمین لرزه به روشنی مشاهده می گردید، خانه های ویران، قریه های به ماتم نشسته، و مردم سوگوار و آواره از خانه و کاشانه، قلب انسان با احساس را به درد می آورد، از طرف دیگر بیداد سرما و یخبندان اندك گرمای زنده گی را ازین ساحات زلزله زده و مصیبت نشان ربوده بود وبه جای آن سردی بود و کرختی و انسان درماندهء میهن من و تو که هر چند گاهی حادثه یی در خانه اش را می کوبد و باری بر بار اندوههایش اضافه می کند.

خوب چه باید کرد، حادثه واقع شده است، حال باید با

گامهای متین و استوار به کمك و دستگیری شتافت و گروپهای امداد رسانی ما نیز با توکل به خداوند بزرگ زمانیکه وارد این ولایات گردیدند، دست بکار یاری رسانی شدند.

کار سروی آغاز شد، سروی همچو حوادث ایجاب می نماید تا در کمترین مدت ممکنه مشکلات و پرابلمها تشخیص و فعالیت امداد رسانی آغاز یابد. موسم سر ما و ویرانی خانه ها هر آن امکان ابتلای مردم را به امراض

طالب معلومات گردیدند که بدون وقفه معلومات جمع آوری و منازل و محلات تخریب شده از نزدیك مشاهده و خسارات را درج فورمه نمودند.

درکنار این فعالیتها کارمندان صحی به یاری بیماران و زخمی ها شتافته و با توزیع ادویه لازم آنها را کمك نمودند و همچنان برای کودکان و اطفال آسیب دیده که اکثر مبتلا به سؤ تغذی بودند مقدار زیاد بسکویت توزیع گردید.

البته در خلال این فعالیتها مشکلاتی نیز فرا راه

ولایت لوگر
ریکارد توزیع کمك های اولیه زلزله زده گان
۲۲-۲۵ فبروری ۱۹۹۹

شماره	ولسوالی	ولایت	تعداد وقراء	تعداد فامیل های کمك شده،	مواد توزیع شده								
					تر پال	خیمه	کمپل	جاکت	صابون	شمع	بشکه	آرد Kg	دال Kg
۱	برکی	لوگر	۳.	٤..	۳۲۶	۳۲۶	۱۹۵۶	١٤.٤	۳۹۱۲	۱۹۵۶	۳۲۶	۱.۲..	۱.۲.
۲	پل علم گلنکار	لوگر	٤۵	۶۱۶	۲۱۳	۳۸۶	۳.۲۸	۱۳۹۳	۶۸٤٤	۳۵۲.	۳۵۲.	۲۷۷.۳	۲۶۹.
۳	محمد آغه	لوگر	۲۹	۵۲۹	۲٤۲	۳۹۶	۲۷۵۲	۱۱۵۶	۶.۸٤	۲۹۳۵	۲۹۳۵	۲۳۶..	۲۳۶.
مجموع			۱.٤	۱۵٤۵	۷۸۱	۱۱.۸	۷۷۳۶	۳۹۵۳	۱۶۸٤.	۸٤۱۱	۶۷۸۱	۶۱۵.۳	۶.۷.

گوناگون بیشتر می ساخت که این امر بر مسوولیت گروپهای سروی می افزود، اما باز هم در اثر تلاشهای اعضای گروپها، کار سروی وجمع آوری اعداد و ارقام خسارات باشتابزده گی صورت گرفت.

تیم های سروی متشکل بود از : یك تن انجنیر ساختمان یك تن داکتر یا کار مند صحی، یك تن و ترنر و یك تن کار مند با تجربهء ساحوی.

تیم ها به دهات و قریه های مصیبت دیده مراجعه نموده و با ملا امامان و موسفیدان و اهالی نشست هایی دایر و

گروپهای امدادی قرار گرفت که آنهم ناشی از مسایل ذیل بود:

۱- مصاحبه کننده گان در برخی از قراء خسارات و تخریبات را بیشتر از واقعیت نشان می دادند.

۲- به تعدادی از قراء و قصبات نسبت شرایط نا مناسب سرما و یخبندان رسیده گی شده نمی توانست.

۳- بعضی از اهالی مشکلات و دشواریهایی را که دایم با آن دست و گریبان بودند، ناشی از زلزله قلمداد می کردند.

با آنهم گروپهای امداد رسانی CoAR و سایر وموسسات مربوط NCA درارتباط با (UN) و موسساتی چون IFRC- CARE - ICRC- WFP ریاست ضد حوادث و سایر موسسات خیریه طی نشست هایی عملیات امداد رسانی را به گونهء هماهنگ تنظیم نموده و با همکاری مستقیم UN پروسه توزیع مواد کمکی آغاز گردید،

برای تشخیص مستحقین به تاریخ ۲۲ فبروری ۱۹۹۹ گروپهای موسسات همکار در ارتباط با نماینده گان حکومت با در نظر داشت سروی قبلی سروی خانه به خانه را آغاز نمودند منازل تخریب شده از نزدیك مشاهده گردیده و ضرورتها و نیازمندیهای آسیب دیده گان مشخص گردید. دفتر انکشاف دهات برکی موسسه CoAR به حیث مرکز توزیع تعیین گردید اهالی قرا نزدیك به اساس کتگوریهای قبلاً تعیین شده تعرفه های توزیع مواد لازم را ازین مرکز بدست آوردند، به قراء و جاهای دورتر مواد امدادی توسط وسایط نقلیه که بدین منظور تهیه شده بود رسانیده شد، مردم مواد امدادی را با سهولت و به شکل منظم و پلان شده بدست می آوردند. به طور مجموعی در ولایت لوگر برای تعداد ۱۵۴۵ خانواده متضرر مواد ذیل توزیع گردیده:

توزیع مواد در ولسوالی چك از زون لوگر

شماره	ولسوالی	ولایت	تعداد قراء	تعداد فامیل های کمك شده	مواد توزیع شده									
					خیمه فی فامیل یك دانه	ترپال فی فامیل یك دانه	کمپل فی فامیل ٦ تخته	پلاستیك فی فامیل یك تخته	لباس پوشیدنی فی فامیل درجوره	بشکه فی فامیل یك دانه	آرد Kg فامیل 50Kg	دال Kg فی فامیل 5 Kg	٥-Bp فی فامیل 3Kg	صابون فی فامیل ٥ کلچه
١	چك	وردگ	٤٧	٦٩١	١١٥	٣٢٨	٢٨.٨	٣٢.	٣٦.	١٤.	٨٩..	٨٩.	٥٣٤	١١٥٦٤
مجموعه	=		٤٧	٦٩١	١١٥	٣٢٨	٢٨.٨	٣٢.	٣٦.	١٤.	٨٩..	٨٩.	٥٣٤	١١٥٦٤

در قسمت توزیع مواد در ولایت لوگر گروپهای امداد رسانی موفقیت های شایانی بدست آوردند و این امر سبب



نمای از توزیع مواد امدادی توسط موسسهٔ همکار به اسیب دیده گان زلزله در ولایت لوگر

گردید تا به ایشان وظیفه داده شود که برای اهالی مصیبت زده چك وردك که کمك دریافت ننموده بودند، عملیات امداد رسانی صورت گیرد که بدین اساس به تاریخ نهم مارچ ۱۹۹۹ کار توزیع مواد وامداد رسانی توسط تیم های فوق به چك وردك آغاز گردید که تا تاریخ ۱۳ مارچ برای ۹۶۱ خانواده آسیب دیده در ٤۷ قریه مواد ذیل توزیع شد.

در کار توزیع مواد در چك وردك نماینده گان سره میاشت و دفتر CARE با گروپهای کمك رسانی همکاری نمودند.

درهر دو ولایت کار توزیع مواد با همکاری صمیمانهء موسسات ذکر شده، ریاست ضد حوادث و نماینده گان حکومت در یك فضای همکاری صمیمانه صورت گرفته و مردم در جریان این عملیات یاد آور شود که در بخشهای مختلف مثل تهیه جای و محل و سایر بخشها از گروپهای امداد رسانی دریغ ننموده اند.

یکی از عواملی که فعالیتهای ما را درین امر انسانی و خطیر قرین موفقیت ساخت تدویر نشست ها بین موسسات وتبادل تجارب درین عرصه بود که در دفتر UN-OCHA، وزارت پلان ریاست سره میاشت و NCAدایر می گردید. درینجا توجه خواننده گان گرانقدر رابه جدولی جلب می داریم که مجموع مواد توزیع شده را درین پروگرام درولایات لوگر وولسوالی چك ولایت وردك در ۱۵۱ قریه برای ۲۲۳٦ خانواده نشان می دهد.

ما در حالیکه از تمام ارگانهای دولتی وغیر دولتی ، اهالی و مردم شریف این مناطق و ولایات که درین برنامه

جدول توزیع مواد در ولایت لوگروولسوالی چك ولایت وردگ

مواد توزیع شده											
ترپال	خیمه	کمپل	جاکت	صابون	شمع	بشکه	لباس پوشیدنی	پلاستیك	BP-٥	آردو Kg	دال Kg
۸۹٦	۱٤۳۷	۱.٥٤٤	۳۹۱۹	۲۲۳٦۸	۸٤۱۱	۱۲٥۹	٥٦.	۳۲.	٥۳٤	۷٤.۳	٦۹٦.

همه در انسجام امور تلاشهای نستوهانه نمودند.

البته این نکته قابل یاد دهانی است که درین فعالیتها ابتکار عمل و بار سنگین کار بردوش موسسه CoAR بود که قبلاً نیز پروگرامهایی درین ساحه داشته و این بخشها ساحات پروژوی شان به حساب می رفت موسسه CoAR خود را مکلف می داندتا از همکاریهای صمیمانه وسیع و گسترده، کمك رسانی ما را همکاری صمیمانه نمودند ابراز سپاس می نمائیم دستان نیازمند مانرا به درگاه ایزد لایزال فراز نموده و استدعا می بریم که هر گونه آفات طبیعی، مصایب جنگ ویرانی را از کشور بلا کشیده و مردم مظلوم ما دور نگهدارد و به امید چنین روزی گزارش خویش را درین جا به پایان می بریم.

راههای تغییر شخصیت

تلخیص و نگارش: ذکیه وردک

شخصیت کلمه ایست که همه ما می دانیم که چه؟ ولیکن از تعریف جامع آن عاجزیم:

شخصیت در واقع عبارتست از ظاهر یك فرد، از طرز تلقی و استنباط و عکس العمل او در برابر حوادث مختلف زندگی.

قاعده هر فردی در بر خورد با زندگی عکس العملی از خود نشان میدهد و در تکرار این عکس العمل در موارد مشابه اصرار می ورزد و استقامت از خود نشان می دهد. کسانی که او را بخوبی می شناسند معمولاً قادرند بیش بینی کنند که عکس العمل وی در برابر فلان حادثه یی که برایش پیش می آید کدامست. و این همان چیزی است که به زبان عادی می گویند فلان زن شوهرش را درك می کند و یا فلان پدر فرزندش را (درك میکند) و معنای کلمهء درك کردن درینجا اینست که آن زن و این پدر به خصلتها و عادات و ثابت شوهر و فرزند خود پی برده و آنرا کشف کرده اند.

چون قسمت اعظم عناصر سازنده شخصیت مادرزادی است، به این سادگی نمی توان در آن دخل و تصرفی کرد و عقیده پاره یی حتی اینست که تغییر شخصیت فرد غیر ممکن است. ولیکن هدف از تغییر شخصیت اینست که فرد شخصیت خود را نشو و نما بدهد و احیاناً بعضی از قسمت های آنرا تغییر بدهد ورنه تغییر دادن کامل شخصیت هدف ما نیست.

شخصیت فرد زمانی جالب و گیرنده است که آن فرد بتواند قسمت های مثبت شخصیت خویش را چراغ راه زندگی خود قرار دهد و از قسمت های منفی و غیر جالب آن در گذرد. ممکن است بپرسید اینکار چگونه ممکن است؟ اینکار با بررسی و مطالعه در عادات فرد عملی است. بعضی عادات را باید کنار گذاشت و در عوض به بعضی دیگر مجال رشد و نمو داد. اگر شخص بتواند پیوسته کردار وگفتارش را زیر نظر بگیرد، آنوقت خواهد توانست بسیاری از اعمال را که برایش عادت شده و در عین حال نا خوشایند است، و موجب پائین آمدن شخصیت می شود، ترك کند.

مثلاً بد نیست کینه توزی را ترك کنیم. البته ساده ترین راه اینست که نسبت به کسی که به ما بد کرده است، کینه توزی

کنیم ولیکن این ارزش دارد که به چنین حوادثی از بالا نگاه کنیم و به دیده عفو بدان بنگریم.

بهمین قسم حسد بردن به پیشرفت های دیگران را باید ترک کنیم. بلکه بر عکس باید سعی کنیم که در خوشی ها و توفیق های دیگران شرکت کنیم.

غیبت کردن عادتی است که شخص به سادگی بدان معتاد می شود و لیکن خیلی خوب و به آسانی می توان آنرا ترک کرد.

آدم هائی که از دیگران غیبت می کنند خیلی زود اعتماد و احترام دیگران را از دست می دهند زیرا هیچکس دوست ندارد که کسی پشت سرش از او عیبجوئی کند.

یکی دیگر از عادات بد ما اینست که به بدبختی و اشتباهات دیگران بخندیم. این عادت از همان عاداتی است که به شخصیت ما لطمه می زند.بلکه بر عکس بهتر است با چنین افراد همدردی کنیم و سعی نمائیم مشکلات آنها را بفهمیم. وقتی که با کسی صحبت می کنیم باید مواظب باشیم که زیاده از حد خود ستائی و یا شکسته نفسی نکنیم. از ریشخند کردن دیگران باید جداً پرهیز نموده و با هم صحبتان نباید در حالت مجادله باشیم و از تکذیب گفته های آنها باید دوری نمائیم چه چنین پرخاشگری ها در بیان موجب می شود که دیگران تصور کنند که ما می خواهیم خود را برتر از آنها به حساب آوریم در حالیکه خود ما هم شک داریم و نمی دانیم که واقعاً برتر هستیم یا نه.

بد نیست کینه توزی را ترک کنیم. البته ساده ترین راه اینست که نسبت به کسی که به ما بد کرده است، کینه توزی کنیم ولیکن این ارزش دارد که به چنین حوادثی از بالا نگاه کنیم و به دیده عفو بدان بنگریم.

بهترین راه مبارزه با این نوع عادات اینست تا خوبی را جانشین آنها سازیم، شخصیت شما زمانی گیرا خواهد بود که به حقوق دیگران احترام بگذارید. با مردم به خوشی سخن بگوئید و آنها را به طرف پیشرفت تشویق کنید. اگر می خواهید به کسی تعارفی کنید سعی کنید این تعارف صمیمانه و به اصطلاح خود ما از ته دل باشد.

اگر بتوانید عادات خوبی را که در بالا به ان اشاره شد در خود به وجود آورید، شخصیت شما در راهی خواهد افتاد که از چهار جهت به نفع تان است.

اولاً با مجهز شدن به این عادات یك انسان معاشرتی خواهید شد، حشر و نشر تان با مردمان بیشتر خواهد شد. از فرصت های برای گسترش دائره دوستان خود استفاده خواهید کرد و اگر فرصتی پیش نیامد، عمداً چنین فرصت هائی را برای خودتان مهیا خواهید ساخت و آماده خواهید بود که به موقع به آنها کمك کنید و نصیحت نمائید و اگر نیازی به رهبری داشته باشند.آنها را رهبری کنید. مثلاً کسانی که در جوامع مختلف خدمت می کنند و یا در مجامع عمومی سخنرانی میکنند ، دارای چنین تمایلاتی می باشند انسان اجتماعی یك انسان زنده و پر حرفی است. اگر فکر کنید که در جمع بیش از اندازه ساکت و محتاط هستید، باید کوشش کنید تا جرات تان بیشتر شود . مثلاً بخودتان قوت قلب بدهید تا بیشتر از ساعت پیش در گفت و شنودها شرکت کنید. شما نمی دانید حاضران چقدر خوش خواهند بود که شما وارد بحث آنها شوید.آدم اجتماعی، جادئه جواست، آماده

است تا با هر حادثه ای پنجه بدهد با حوادث غیر مترقبه وارد کشمکش شود. خود تان را از سرخ شدن در آورید و تا آنجا که می توانید به حوادث بلی بگوئید. و از کلمه «نه» که معمولاً ورد زبان مردمان کمرو و خجالتی است، پرهیز کنید.

اگر زندگی را آنقدر جدی و سخت نگیرید، می توانید یك آدم معاشرتی شوید برای اینکه زندگی را آنقدر جدی و سخت نگیرید باید هم بی گدارو بدون استخاره به آب بزنید و گاه گاه بدون اینکه ساعت ها بنشینند و چکنم و چه نکنم بگوئید، تصمیم تان را بگیرید.

ثانیاً از وقتی که با عادات جدید مجهز شدید میان آرامش و سکون بی اندازه شما از یك طرف و نا آرامی و بیقراری شتاب آمیزتان از طرف دیگر تعادلی بر قرار خواهد شد و متوجه خواهید شد که کدامیك ازین دو وجه افراطی و تفریطی به کار تأئید شخصیت شما می اید. مثلاً اگر بیش ازاندازه بیقرار و بیحوصله و نا شکیبا هستید، با ایجاد عاداتی که ذکر کردیم می توانید آرام گیرید و انجا که باید صبر کنید، صبر کنید و آنجا که باید افکار تان را کنترول کنید ، آنرا برهم بزنید.

از طرف دیگر اگر مشکل شما اینست که بیش از حد در کارها دست و پاچه می شوید ، با کسب عادات جدید بر جسارت شما در اتخاذ تصمیم افزوده خواهد شد.اگر بتوانید عادت همیشگی تان را تغییر بدهید، آنوقت قادر خواهید بود عوض نشان دادن افراط و تفریط در رفتار ، رفتاری معتدل داشته باشید. یعنی نه آنچنان بیقرار و نه آنچنان بیحال و یا نه آنقدر سخت اراده باشید که بی فکر بهر طرفی متمایل شوید و نه آنقدر خجالتی و کمرو که اصلاً قادر به اتخاذ جهت در زندگی نباشید.

کسانی که دو رو بر شما زنده گی می کنند درباره شخصیت شما تصویر در ذهن خود ساخته اند مثلاً شما را بیحال یا پر تحرك و یا بیقرار می پندارند، آدم های بیقرار و شتابزده و حریص گاهی غیر مسؤل و بی توجه به نظر می آیند و لیکن همین آدم ها اگر عادات خود شان را تغییر بدهند به صورت آدم هائی فعال و پر جنب جوش متجلی خواهند شد.

آدم هائی که بیحال و آرام و کند هستند آدم هائی مات و مبهوت و بدون تحرك و تخبل ممکن است جلوه کنند ولیکن اگر این عادات خودشان را عوض کنند، به صورت آدم هایی که زود جلب اعتماد می کنند وصمیمی هستند و به خود اعتماد دارندجلوه گر می شوند.

مردمان با اصلاح عادات روزمره خود می توانند میان یك جهان بینی سخت و واقع بینانه در زندگی از یکطرف و یك جهان بینی مبتنی بر احساسات و هیجانات از طرف دگر تعادلی در زندگی به وجود آورند. مثلًا عده ای بیش از اندازه به قضاوت دیگران توجه دارند و عده ای بر عکس خیلی کم.

در چنین موردی مثل بسیاری از موارد دیگر مطابق گفتار یکی از خلفای راشدین، بهترین راه ها میانه روی و دوری جستن از افراط و تفریط است بیان عواطف و هیجانات و به اصطلاح احساساتی بودن و مهربانی باید با درشتی به جاتوام باشد. عواطف هیجانات را باید با واقع بینی آشتی داد.

سالم ترین راهها اینست که شخص اندکی به خود بیشتر سخت بگیرد و اندکی با دیگران ملایم تر باشد.

برای رسیدن به این هدف باید مستقل متصل بود و در هر کاری تا آنجا که مقدور است بدون کمك دیگران اقدام کرد. باید برای مشکلات خود راههای علمی پیدا کنید.. وقتی که می بینید در کاری با شکست روبرو شده اید ببینید چه اشتباهاتی را مرتکب شده اید از فعالیت های بیرون خانه استقبال کنید و به برف و باران قدری توجهی پیدا کنید.

در عین حال آماده کمك به دیگران باشید. آنها را گرامی تر از خود بدارید. از آنها انتظار نداشته باشید مثل شما سختی و خشونت را تحمل کنند.

معمولاً مردان خشن تر و نا مهربان تراز زنان معروف هستند بد نیست شما هم سعی کنید یك کمی ازین جهت مثل زنان باشید و لیکن درین راه هم اگر اغراق شود یعني زنان خشن

شوند و مردان ملایم آنوقت این هر دو دسته دارای شخصیتی خواهند بود که چندان خوشایند نیست.

چهارم باید میان متکی بودن به آراء و عقاید و کمك و استنباط دیگران و متکی بودن به عقل و استنباط و جهان بینی خودتان تعادلی به وجود آورید. یعنی هم از دیگران کمك بگیرید و هم از خودتان.

از نصایح افرادی که در رشته ای تخصص دارند، استفاده کنید و به همدردی ها و همفکری های دوستان مخالفت نکنید و لیکن در عین حال سعی کنید خودتان باشید و برای ایجاد تغییر در زندگی خود، تصمیمات جدیدی اتخاذ کنید و افکار تازه خودتان را به منصه ظهور و بروز در آورید.

بهر تقدیر میان اطاعت دیگران و استقلال رای تعادلی به وجود آورید. رفته رفته با مرور زمان متوجه خواهید شد که چه وقت به حرف دیگران گوش کنید و چه وقت به فکر و نظر خودتان.

هیچگاه فکری را صرف به اینکه قدیمی است رد نکنید و یا به حرف اینکه نو نیست نپذیرید بلکه همیشه آماده باشید تا تغییرات جدید اندیشه ها و راههای کهن را کشف و پیدا کنید. باید دقت کرد آنچه انجام می دهیم درست مطابق علم و دانائی و مطابق قواعد و اصول و جنبهء انکشافی باشد. منتها باید این نظارت مدام را تخفیف داد و احیاناً در رعایت قوانین و اصول جانب اعتدال را رعایت کرد.

فردی که می خواهد شخصیتی قوی داشته باشد باید در باره زندگی فلسفه ای داشته باشد و به آن فلسفه نیز عمل کند. در باره سیاسیت و یا امور روزمره و مذهب باید عقاید و نظراتی داشته باشید فلسفه مزبور را باید با شنیدن فلسفه دیگران و جرح و تعدیل آنها به دست آورید.

به این قناعت نباید کرد که عقیده دیگران را قبول و یا رد کنیم. بلکه نظرات دیگران را به عنوان پایه و اساس نظریه ای که خودمان می خواهیم داشته باشیم، باید تلقی نمائیم.

ایجاد تعادل درهر کدام ازین چهار راهی که برای تقویت شخصیت بر شمردیم. موجب می شود که صاحب ابتکار شوید و بدون توجه به اینکه دیگران در باره تان چه خواهند گفت به پیش بروید شخصیت نیرومندی پیدا خواهید کرد و دیگر مثل گذشته به محض اینکه دیدید با حادثه ای روبرو شده اید که اندکی به تعمق و تفکر احتیاج دارد، آنرا به فردا موکول نخواهید کرد.

در عین حال متوجه باشید که به هنگام اخذ تصمیم حقوق و نظرات دیگران را در نظر بگیریم و باید مطمئن باشیم که تصمیمات ما بر عقل سلیم و عقاید صحیح دیگران مبتنی است.

ایجاد تعادل میان جنبه های ضد و نقیض که شرحشان گذشت همان چیزی است که موجب بروز تعادل و هماهنگی میان عناصر مختلفه شخصیت می شود و شما اگر می خواهید شخصیت متعادل و به اصطلاح سالم داشته باشید باید ایجاد تعادل مزبور را وجهه همت خودتان قرار بدهید.

شخصیت را نمی شود صد در صد عوض کرد و لیکن می توان تغییراتی مطلوب در آن به وجود آورد.

وقتی که مطابق گفته های بالا تغییراتی در شخصیت خود پدید آوردید آنوقت آینده بهتری در انتظار تان خواهد بود.

نسبت به دیگران با گذشت و مهربان خواهید شد . دیگر مثل گذشته احساس خواری و بی مقداری نخواهید کرد، به نقاط ضعف و نقاط قوت خود آگاه خواهید شد و هدف های واقع بینانه و در عین حال جاه طلبانه ای برای خود در نظر خواهید گرفت.

چون جسماً و روحاً خودتان را سالم حس خواهید کرد اینست که با شکیبائی و با قدرت تأثیر بیشتری کار خواهید کرد و وقتی که کار کردید به یقین به هدف های بلند خود خواهید رسید و البته نباید فراموش کنید که با همه آنچه شمردیم بدون همکاری دیگران و همراهی کسانی که هر روز با آنها روبرو می شوید، به آرزوهای دور و دراز نمیشود جامهء عمل پوشاند.

آشنایی با مشاهیر جهان

نخستین سخنوری که نگین عرفان را بر انگشتر شعر دری نشاند

سنائی غزنوی

نوشته : سرور انوری

سنایی، حکیم شوریده، غزنه، آزاده مرد بزرگوار «رسته زترتیب زمین وزمان» خود می گوید:«خیز و بیا ملک سنایی ببین»

و حقا اگر با شیفته گی و مهر ورزی و دوست داشتن «ملک سنایی» را نگاه کنیم، می نگریم که ملک پهناور اندیشه و کلام او،کشور پاك معانی بلند را در خود دارد، اقلیم احساسهای با شکوه را و هوای تازه، پندارهای لطیفی را که در آن نسیم بزرگواریها، فضیلت ها و عظمت های دوست داشتنی و زیبایی های پر ارج انسانی در وزش است.

«ملك سنایی» را با دوست داشتن بایست نگریست و با ارادت وخلوص نیت، چشم بر سیمای تابناك سنایی دوخت و افکار شفاف و متعالی و پیام سرشار از عطر و سپیده اش را دریافت که از واژه واژه، آن به تمامیت وبی مرزی نام خجسته و شکوهمندش، نور و روشنی تراوش می کند.

در درازنای سالها و سده ها گر، هر رهرو و رهگذری در «ملك سنایی» سیر وسفری داشته است، اما در این ملك همواره باید سفری عاشقانه داشتن، همیشه آنرا از نو نگریستن و سنایی را از نو شناختن، زیرا که او مردی برتر از زمان بوده وعارف بلند نظر روزگاران.

شناسنامه، سنایی غزنوی را که ازنظر میگذرانیم، می بینیم تذکره نگاران سال تولد مجدود بن آدم سنایی را (٤٧٠) هجری قمری رقم زده اند، گویا او همزاد با آن مناره های بلند و استوار غزنه، باستان، عروس البلاد بوده که از آن در طول قرنها، نور و روشنی و رستگاری بر می خاسته تا رهروان در اقیانوس زنده گی گم نشوند.

سنایی که به گمان غالب (٥٩) سال عمر کرده و از نو باوه گی به سخنوری و شاعری پرداخته و استعدادش در دربار غزنویان درخشیدن گرفته است و نبوغ شعریش از همان آغاز سخن سنجان و سخندانان را به شگفتی وا داشته است، البته نیمه، نخست دوران شاعری سنایی در قصیده پردازی سپری

گردیده و اما بعد که بر بسیاری از علوم زمان و دانشهای روزگارش، آشنایی و دسترسی پیدا کرده، چنان اندیشه، پر بار و ذهن باور داشته است که شور ایمان و جذبه، خدا پرستی در درونش جوشیده و محتاج یك بهانه بوده است، بهانه یی برای یك تغییر ، یك دگرگونی،جرقه یی باید تا آتش زبانه بکشد ودیری نمی پاید که بهانه فراهم می آید و جرقه پدید می گردد و آن مجذوب لای خوار است، آن گلخن تابی که سحرگاهی در پشت حمام کوی، جرقه یی در روح و روان سنایی شاعرمی افگند و او را از هر چه رنگ تعلق است آزاد می کند و از دنیای ظاهر راهی دنیای باطن می سازد و این آغاز تولد راستین سنایی است، تولدی دیگر یك شاعر که طرح نوی درشعر می افگند و راه نوی در سخنوری و سخنگوئی در پیش می گیرد.



سنایی، حکیم فرزانه، غزنه با تولدی دوباره، خویشتن در چشمه سار معرفت و خرد وضو می گیرد و طریق عرفان میپوید و به راه بینش گام می گذارد و با فرهیخته گی و بلند اندیشی به کار شاعری می پردازد، او به شهادت تاریخ، سراسر قصاید، مدحیه وهزلیه، خود را پاره می کند و به باد می سپارد، آنچنان که در میان آنها تنها قصیده اندك باقی نمی ماند...

و چنین بود که سنایی پلی بسوی جهان روشنایی کشید، درویشی و قلندری را پیشه کرد سالیان درازی را به وارسته گی واز خود گذشته گی و طی طریق گذرانید واز عشق در هفت بیابان سلوك درد ها کشید واز دریای معرفت و عرفان جرعه ها نوشید تا از مردی به درجه، جوانمردی باز رسید...

چون درد عاشقی به جهان هیچ درد نیست
تادرد عاشقی نچشـد مرد ، مرد نیست

شوریده، غزنه، جوانمرد آزاده و حکیم به حکمت رسیده، آئین عیاری برگزید، به انسان کامل اندیشید، به برادری وبرابری و با مردم در آمیخت و با تعهد وایمان بر سکوی انسانیت و مردمی نشست.

سنایی این عارف والا مقام و متصوف بزرگ که بر بلندای ادبیات عارفانه اواخر سده، پنجم و اوایل سده، ششم همانند خورشید می درخشید، نیك دریافته که تصوف انسان شدن است و دانشهای انسانی را به انسان می آموزد و ازین رو، او نخستین شاعر نو آور وسخن پرداز پیشرویست که معانی صوفیانه و مفاهیم عارفانه را به گونه، گسترده یی در شعر فارسی دری وارد کرد و در قالبها و فورمهای گونه گون: مثنوی، قصیده وغزل بیان داشت.

به عباره، دیگر سنایی را می توان نخستین شاعر عارف در قلمرو ادبیات پر شکوه و دیرین سال فارسی دری خواند که به سرایش غزلهای عارفانه و چکامه های صوفیانه به معنای دقیق و مصطلح آن پرداخت و پیش از وی کسی چون او شعری که در برگیر معانی و اصول عرفان و تصوف باشد نسروده است. اما این اولین شاعر عارف بودن در اقلیم پهناور ادبیات کلاسیك و متقدم، تنها یك امتیاز بزرگ کارنامه سترگ سخنوری سنایی نیست؛ بلکه امتیازات

ومشخصات عمده و چشمگیر دیگری هم در عرصهء شاعری و سخن سرایی دارد که مقام سخنوری و مرتبت جلیل علمی و عرفانی، این سرودگر بی بدیل را بر جسته تر و نخبه تر می سازد که درینجا اشاراتی کوتاه به آن می کنیم.

سنایی اولین شاعری است که اندیشه های فلسفی را که تا زمان او به شکل مبهم و سر بسته یی در سخن جلوه میکرد به گونهء معقول ومنطقی آن در شعر کهن فارسی دری بیان

سنایی نخستین سخنوری است که آیات و کلمات قرآن کریم و احادیث شریف را در اشعار خویش تضمین کرده و ارج و بهای سخن خود را بالا برده و پایگاه شاعریش را عظمت بخشیده است.

کرد و در قالبهای متداول شعری ریخت و از همین سبب اورا «حکیم» نیز گفته اند و در روز گارش هم به همین لقب یاد شده چنانکه خود گوید:

«خاك غزنین چون من نزاد حکیم»

سنایی نخستین سخنوری است کـه آیـات و کلمات قرآن کریم و احادیث شریف را در اشعار خویش تضمین کرده و ارج و بهای سخن خود را بالا برده و پایگاه شاعریش را عظمت بخشیده است.

سنایی اولین سخن پروري است که نسبت به متقدمین خود بیشتر به طنز پردازی در شعر فارسی دری توجه داشته و در برخی از سرود های خود بیان کرده است و البته خودش به هزل تعبیر کرده چنانگه گفته:

بیت من بیت نیست اقلیم است
هزل من، هزل نیست تعلیم است

سنایی نخستین سخن سرایی است که مطالب و موضوعات اخلاقی، تربیتی و آموزشی را با آوردن حکایات و امثال مناسب در چتر رنگین شعر جا داده و با شیوایی و صفا و استواری به شیوهء تازه بیان داشته است.

سنایی اولین آگاه و دانایی است که در کار شعر و شاعری از اصطلاحات عامیانه و فرهنگ عوام استفاده و استفاضهء فراوان برده و ضرب المثل ها و کلمه ها و گفته ها و نکته های تودهء مردم را در شعر خویش بیان داشته چون: گندم نمای جو فروش، زیره به کرمان بردن و ازین شمار ...

عـاشـقانت سوی تو تحفه اگر جـان آرند
به سرتـو کـه همـی زیره به کرمـان آرند

سنایی نخستین شاعری است که غزل را به گونه و طرز جدی آغاز و تحول غزل و سیر غزلسرایی را در شعر کلاسیك فارسی دری هم ازنگاه شکل و هم از لحاظ محتوا از او شروع می کنند چرا که او باغزلهایش از رنگ و بوی تغزلات قدیمی دوری می جوید و به سبك معمول کنونی غزل میسازد و در مقطع غزلهایش تخلص خود را نیز می آورد.

در سروده های سنایی، اندك اندك محبوب مقام والای خود را بدست می آورد واز آن خفت وذلت معشوق تغزلات رهایی می یابد ومعانی اشعار او هم نسبت به قد ما بسیار بلند و حتی معادل شاعران سدهء هفتم است.

ادبیاتشناسی می نویسد: همانطور که سنایی به عنوان آغاز گر غزل چه از نظر لفظ و چه از نظر معنی مهم است، حافظ هم به عنوان اوج غزل چه از نظر لفظ وچه از نظر معنی واجد ارزش فراوان واهمیت تمام است.

باید این نکته را حالی کرد که سبك غزل سنایی هر چند پس از او طرف توجه و تقلید فراوان واقع گردید، لیکن تا حدود زیادی منفرد باقی ماندو برخی شاعران خود بدین اعتراف کرده اند.

خاقانی شاعر بزرگ اشارتی دارد که:

چون زمان عهد سنایی در نوشت

آسمان چون من سخن گستر بزاد

بی گفتگو سنایی یکی از بزرگترین شاعران عارف است که صاحب سبك تازه در ابیات فارسی دری بوده و با انقلاب درونی و تحول روحی که در دوره‌ء دوم زنده گی شاعر پدید آمد ومنتج به درخشش افکار و بالنده گی اندیشه های او گردید، چنان شاهکاری عظیم آفرید که باغستان همیشه سبز و شاداب اندیشه وعرفان بوده وهمیشه سر سبز است و آن کتاب «حدیقه» و یا «حدیقة الحقیقة و شریعة الطریقة» است که آنرا الهی نامه، فخری نامه و سنایی آباد نیز نامیده اند.

پیر رومی، جلال الدین محمد مولوی که یك قرن فاصله زمانی با فخر العارفین سنایی غزنوی» دارد واو را حکیم و شیخ کبیر خوانده به کتاب حدیقه احترام بسیار داشته و آنرا شایسته‌ء تعظیم وتکریم پنداشته است.

از حسام الدین چلبی روایت گردیده که گفت روزی کسی را سوگند میدادم و به جای قرآن الهی نامه سنایی را پوشانده و بر رحل گذاشته بودم،در آن حال مولانا وارد شد، قضیه را عرض نمودم فرمود: چرا الهی نامه رامی پوشی، این معانی که درین کتاب ذکر شده، مقتبس اسرار قرآن می باشد.

و روایت دیگر است که روزی مولانا در حجره‌ء چلبی بدر الدین آمده دید خودش خفته و الهی نامه را در پس پشت خود نهاده است، فرمود: خواجه، حکیم حاضر و تو درخواب رفته ای، همانا که رعایت ادب از سایر طاعات بهتر است.

مولوی با چنین دید و نظر و عقیدت و ارادتی به بزرگی و والایی مقام ومرتبت حضرت سنایی می نگریست و حدیقه را که مثنوی را پس از آن رقم زد ارج وتقدیس می گذاشت.

گویند باری ملای روم به رونده‌ء طریقت و پژوهنده‌ء حقیقت گفت:«اگر عظمت سنایی را میدیدی، کلاه از سرت می افتاد.»

به کلامی حدیقه‌ء سنایی و مثنوی مولوی، چون دو سوز از یك مشعل تابیده یا دو میوه بر یك شاخ به بار آمده یا دو شکوفه دریك بهار خندیده ... هر دو به سوی یك روشنایی می تابند و تشنه‌ء یك زلال اند.»

حدیقه شامل ده هزار بیت و یك دایرة المعارف عرفانی است که به منظور تعلیم و ارشاد و رهنمونی آدمی به سوی فضیلت و رستگاری در اوج وارسته گی حکیم واز علایق مادی و دنیایی سروده شده و در متن پاك ومنزه آن عرفان لطیف و انسانی می درخشد.

در پایان کلام باید گفت، سنایی متصوف کامل و بالاتر از آن عارف خدا شناس و خود آگاه بود، و این سخن از جهت آن اشارت گردید که اوعارف بود جلیل تر و بلند مرتبت تر از صوفی و متصوف ، زیرا تصوف جلوه یی ازعرفان است و عارف بالاتر از صوفی و چنانکه در کتاب «اسرار التوحید» آمده خواجه امام مظفر به شیخ ابو سعید گفت:« که صوفیت نگویم و درویشت هم نگویم، بلکه عارفت گویم به کمال»

و سنایی عارفی بود بلند مقام که اندیشه و سخن او را بایستی با دوست داشتن دریافت و کلام و پیام او رادر روشنایی خلوص و دوستی و همدلی نگریست.

ستراتیژیک پلاننگ

میر امان الدین حیدری

هماهنگی کمکها برای افغانها CoAR یك موسسه مستقل، غیر انتفاعی و غیر حکومتی انکشافی است که برای تهیه، تدارك تنظیم ورسانیدن کمکها بمردم در سال ۱۹۸۹ توسط یك گروپ افغانان با احساس پا به عرصه، وجود گذاشت، این موسسه از بدو تاسیس و یا آغازین روز های تاسیس مطابق شرایط زمانی و مکانی پروگرام های عاجل کمك رسانی،اعمار تاسیسات زیر بنایی و پروگرام های انکشافی را پیش برده و درین عرصه سیر انکشافی داشته است که نتایج کار وفعالیت آن طور فزیکی در ساحات تحت پروگرام اظهر من الشمس بوده و موجب آرامش روحی و وجدانی خدمتگزاران مردم است. بهر حال سفارشات ارزیابی اخیرNCA برای CoAR نهایت آموزنده و مفید بوده CoARرا بخود متوجه ساخت تا تغیرات وتحولات لازم را برای بقای خود بپذیرد، بناءً سال ۱۹۹۸ سال باز سازی، رشد استعداد ها و مرحله گزار از پروگرام عاجل به انکشافی برای CoAR بود. با اظهار سپاس از درك عمیق و دور اندیشانه، موسسه، NCA که برای سال ۱۹۹۹ تدویر ورکشاپ محاسبه و ستراتیژیك پلاننگ را تجویز و تمویل نمودند و سهولت های لازم را فراهم کردند.

خاطر نشان میگردد که فضا و محیط ادارات عامه و غیر انتفاعی در سال های اخیر نه تنهاطور روز افزون رشد نموده بلکه همبستگی داخلی و توامیت شان تقویت حاصل نموده است تغیری که در هر قسمت سیستم آورده میشود انعکاس غیر قابل پیشبینی میدهد، این افزایش در بیداری و روابط داخلی ضرورت به یك عکس العمل سه جانبه از ادارات عامه و غیر انتفاعی دارد تا:

۱- این ادارات حتماً ستراتیژیکلی طوری فکر کنند که در گذشته نکرده اند.

۲- فهم و نقاط نظر خود را به ستراتیژی موثر تعبیر و بیان کنند که در بر گیرنده، تغییرات باشد.

۳- دلایل معقول و منطقی به انکشاف بدهند تا توافق با پایه اساسی و محکم استوار گردد.

بالاخره تطبیق ستراتیژیك پلاننك آمر و منیجر اداره، عامه و غیر انتفاعی را کمك می کند تا ستراتیژیکلی فکر کند و ستراتیژیکلی عمل کند.

ستراتیژیك پلاننگ می آموزاند که:

- چطور دست اندر کاران موسسات و اداره چی یك اداره عامه و غیر انتفاعی میتواند در برابر مطالب وخواسته هایی که فعلاً دربرابر اداره و موسسه اش قرار دارد و یا در آینده قرار می گیرد مقاومت نموده و بحل موفقانه، آن فایق آید.

- چطوریك رهبر و یا اداره چی میتواند معلوم کند که چسان اداره اش در برابر انبوه مشکلات روز افزون فضا و محیط که اداره درآن فعالیت دارد عکس العمل جوابگو نشان بدهد. بعباره، دیگر تعهدات و مسولیت (mission) های یك اداره در مقابل مسایل غیر قابل پیشبینی شده، توقعات جدید عامه،

تغیرات نفوس، بیداری و هوشیاری جامعه، رشد اقتصاد محلی، قوانین جدید برای ادارات عامه غیر انتفاعی و تجارتی چه خواهد بود؟

– چطور یك اداره چی قوت ها و مقاومت های اداره را تقویه و ازآن منفعت میگیرد و با استفاده از امکانات نقاط ضعیف را بحد اقل تقلیل داده و مشکلات اداره را رفع میکند.

ستراتیژیك پلاننك یعنی چه؟

ستراتیژیك پلاننك عبارت از انتظام کوشش ها برای اخذ



گوشهء از ورکشاپ ستراتیژیك پلاننگ

تصامیم اساسی و بنیادی و بدان عمل کردن است. که اداره را به هدف تعین شده برساند و سه سوال اساسی اداره را حل کرده بتواند، یعنی موسسه چی و برای چه است؟ چه میکند؟ و چرا میکند؟ یك ستراتیژی خوب ضرورت به جمع آوری معلومات وسیع ، کشف و دریافت بدیلها و تاکید برتطبیق تصامیم امروز دراینده میکند. این موضوع افهام و تفهیم و سهمگیری را اسان ساخته علایق و ارزش های مختلف را پرورش و تقویه کرده باقاعده وقانون تصمیم گیری تطبیق موفقانه آنرا انطباق میدهد. یکبار دیگرتاکیدبرآن است که ازهمه مهمتربرای موسسه ستراستژیکلی فکر کردن و ستراتیژیکلی عمل کردن است.

طور عموم پلان سازی ماهرانه برای رسیدن به یك هدف را ستراتیژیك پلاننك میگویند که جزء پلان می باشد، بیشتر در شرایط و اوضاع نظامی و سیاسی بکار میرود مثلا میگویند قوت های ملل متحد برای تنظیم مجدد قوت هایش یك عقب نشینی ستراتیژیك نموده یاخرید وفروش مخفیانه سلاح و مهمات نظامی، دیزاین سلاح که به قلمرو دشمن برسد و یا در جاده رئیس جمهور تیراندازان درنقاط ستراتیژیك جابجا میشوند.

تفاوت ستراتیژیك پلاننك وپلان عمومی قسماً از نتایج حقیقی است که ستراتیژیك پلاننك یك سیت و یا سلسلهء افهام و ادراك طرز العمل و وسایل است و قسماً نوع مشابه ازنوع معمول پلانگذاری سکتور عامه است که در سطح محل تطبیق میشود.

تهیه کردن ستراتیژیك پلان عبارت از طرز العمل تمایلات و سیتی از وسایل است که یك پلان را به مهارت بکار بیندازد. معمولاً یك اداره برای رسیدن به (mission) خود سه مرحله را در نظر بگیرد:

۱- مرحلهء ذهنی و یا فکری (مرحلهء پلان ستراتیژی) ۲- دوران عمل (پلان چقدر عمل میشود). ۳- ارزیابی: بعد از تکمیل کارها باید دیده شود که ستراتیژی چقدر مفید ویا در کدام ساحات مشکلات داشت.

ستراتیژی کلمه یونانی بوده مرکب از دو جزء (strates) به معنی عسکری و (ego) سوق و اداره می باشد طور عام تفحص و جستجو راه و روش رسیدن به هدف خاص را در حقیقت ستراتیژی تعریف میکنند.

ضرورت به داشتن یك ستراتژیك پلان چیست؟

برای بقا و پیروزی موسسات بر اوضاع و حالات تهیه یك ستراتیژیك پلان سیستماتیك ضرورت مبرم و حیاتی محسوب میگردد که باید در نظر گرفته شود و با داشتن همچو یك سیستم چهار اصل عمده و زندگی ساز موسسه تحلیل و تجزیه گردیده و راه های حل دران جستجو میگردد:

۱- موسسه و گردانندگان میدانند یکجا روان هستند

بعباره، روز مشن ماچیست؟

۲- چطور بهدف رسیده میتوانیم و یا ستراتیژی ما چیست؟

۳- برای انجام کار وفعالیت چه امکانات و وسایل داریم؟ (بودجه)

٤- برای پیشبرد کار و فعالیت چقدر معلومات و کنترول داریم؟ (حاکمیت ما بالای انجام وظایف)

قراریکه دیده شده در تمام طرق و انواع ستراتیژیك پلاننك بالای این نکته تاکید بعمل آمده و مهر تائید گذاشته شده است که اگر ستراتیژی مناسب تشخیص و تطبیق شود بر موثریت اداره می افزاید.

مفیدیت ستراتیژیك پلاننك:

موسسات و ادارات بنابر دلایل زیاد مفید و وابسته به داشتن ستراتیژیك پلاننگ هستند

- به تقاضا و چلنج های متعدد مواجه و بر میخورند که ضرورت می افتد الویت ها را بر جسته نمایند.

- کمبود شدید بودجه برای سال اینده در انتظار موسسه است باید مجدداً موثرانه فکر کند که چگونه معامله گردد.

- موسسات رقیب مراجعین موسسه را بخود جلب و جذب می دارند باید راه و روشی انتخاب کند تا از این رقابت موفق بدر آید.

- مشکلی در مقابل موسسه قرار دارد تجاویز وراه هایی که موسسه را برای حل آن کمك و قادر بسازد، فکر شود در غیر آن شدیداً خساره مند و مجروح میشود.

- در این روز ها یك تعداد موسسات ستراتیژیك پلاننگ نمودند و یا مینمایند. مؤسسه CoAR نیز صلاح دید، ستراتیژیك پلاننگ نمایند.

- عده، از منابع ذیعلاقه موسسه دوستانه مشوره دادند تا ستراتیژیك پلاننگ تهیه شود.

- با وصف همه جنجال ها موسسه موجودیت خود را ثابت و تاثیرات خود را برجسته می سازد. البته در این راستا خود را مدیون احسان stakholder های خود میداند.

خلاصه اینکه هرموسسه را جنجال ها و مشکلات داخلی و خارجی تهدید میکند و گاهی هم احتمال از هم پاشیدن آن میرود. زمانی مشکل داخلی و گاهی کمبود بودجه و یا تهدید های خارجی و گاهی رقابت های سایرموسسات. هر موسسه و اداره که بقای خودرا میخواهد باید برای جلوگیری این مشکلات و جنجال ها ستراتیژیکلی فکر کند و طور ستراتیژیك پیش برود تا از مزیت های آتی مستفید گردد:

ستراتیژیك پلاننك دست اندر کاران موسسه را کمك میکند تا:

- سراتیژیکلی فکر کنند ویك ستراتیژی موثر را انکشاف دهند.

- خط السیر و سمت حرکت خود را برای آینده روشن نماید.

- الویت ها را مشخص و برجسته سازد.

- مسایل امروزی را در روشنی عواقب و نتایج آن در آینده فیصله نماید.

- یك اساس و قاعده، تصمیم گیری مرتبط، پیوست و قابل دفاع را انکشاف دهند.

- حد اعظم تصامیم را در ساحه تحت کنترول موسسه اجرا و تطبیق نمایند.

- اتخاذ تصمیم را باساس سطوح و وظایف نمایند.

- اجرات اداره و موسسه را اصلاح نمایند.

- با تغیرات سریع و ناگهانی وضعیت و حالات روش و بر خورد موثر نمایند.

- کار گروپی و مهارتی را ایجاد نمایند.

بنابر استدلال فوق الذکر وضرورت عینی موسسه CoAR ورکشاپ ستراتیژیك پلاننك را به اشتراك ۲۱ تن کارمند از دفاتر ساحوی و مرکزی از تاریخ ۱۷ الی ۲۹ اپریل سال جاری در دفتر مرکزی واقع پشاور دایر و در آن مراحل و طرق مختلف ساختن ستراتیژیك پلان نظر به شرایط و حالات تدریس گردید و ما فعلاً در مرحله، ابتدائی آن که تهیه نمودن ستراتیژیك پلاننك است قرار داریم.

از بارگاه خداوند لایزال استدعا می نماییم تا همه همکاران و علاقمندان موسسه را توفیق عنایت فرمایند تا از این آزمون زمان موفق بر آمده و با طرح و تطبیق ستراتیژیك پلان مطابق نیازمندی های جامعه، خویش مصدر خدمات ارزنده و برزگتر شویم.

و من الله توفیق

Toxo plasmosis

تحریر : داکتر غلام سعید

یك مریضی ساری وzoonose پروتوزوئی است که عامل آن را Toxo plasma gondii تشکیل میدهد. اکثراً انواع حیوانات اهلی و وحشی بشمول پرنده گان و انسانها به این مرض مبتلا میگردد.

بسیار خطرناك است بدین معنی که چندین سیستم وجود را مانند سیستم عصبی، قلب، شش ها و در حیوانات و خانم های حامله پلاسنتا را مورد حمله قرار میدهد و باعث سقط جنین میگردد.

دوران حیات داخلی پرازیت در وجود حیوانات در اپتلیوم روده های خرد فامیل پشك تکمیل میگردد. شدت مریضی نظر به نوع آن فرق میکند.

مرحلهء بسیار فعال و قابل نفوذ پرازیت مرحلهء Trophozoite یا Techyzoite می باشد که باعث تولید مریضي شدید میگردد این پرازیت ها در خون، پیشاب، لعاب دهن، سپرم، مواد غایطه و به پیمانه وسیع در انساج وجود دیده میشود ، تقریباً شکل هلال را دارد مرحلهء cystozoite یا bra-dyzoite بشکل کرونیك سیر میکند درین حالت امکان دارد تا مدت زیادی علایم کلنیکي مرض بروز نه نماید این پرازیت ها در اعضاي جنسي، مغز ،چشم، جگر، عضلات اسکلیتی و قلبی بشکل cystsدیده میشود این پرازیت میتوانند برای چندین روز بعد از مرگ حیوان در انساج زنده بمانند.

زمانیکه پشك ها یکی از انواع فوق پرازیت ها را بلع می نمایند بعد از ٤ الی ٥ روز oocysts ها از وجود پشك ذریعه مواد غایطه به محیط خارج اطراح میگردد. اطراح oocysts ها بسیار دوام دار بوده حتی ۲۰ روز ادامه پیدا میکند در محیط خارج در مدت ۲ -٤ روز شکل سپور را به خود میگیرد این حالت برای حیوانات میزبان بسیار خطرناك میباشد و باعث مریضی آن ها میگردد.

تخم پرازیت ها بسیار مقاوم هستند در شرایط مساعد میتوانند که اضافتر از یك سال در محیط خارج زنده بمانند. در حرارت ۷۰ درجه سانتي گرید جوشاندن آب، آیودین قوی و ذریعهء محلول امونیا از بین میرود. در افغانستان نگاه کردن پشك و سگ در خانه ها معمول بوده خصوصاً در محلات و دهات که اکثریت دهاقین و مالداران در پهلوي نگهداری گاو و گوسفند پشك را نیز نگاه میکنند و پشك همراي بزرگ سالان و اطفال محبت و علاقه خاص نشان میدهد، در بین مردم مروج است که پشك نگاه کن تا که موش و مار در خانه زندگی نکند منحیث وسیله نگاه میشود اما خطر که از خود پشك به انسان ها متوجه است از خطر موش و مار بیشتر است در خانه ها عموماً گوشت خام و محتویات اضافي آنرا که باعث سرایت مرض مذکور در آنها شده به پشك تغذیه می نمایند، پشك همرای اطفال و کلان سالان مستی میکند، همین مستی کردن و لیسیدن قسمت های مختلف وجود انسان ها ذریعه پشك موجب سرایت پرازیت Toxo plasmosisبه انسان ها میشود.این مرض

در ممالك اروپايي زياد ديده شده زيرا هر فاميل چندين نوع پشك را نگاه مي كند، خصوصاً خانم ها به نگهداری پشك زياد علاقه نشان ميدهد و خطر زياد اين مريضی به خانم ها ميباشد قرار كه در امريكا معاينات سيرولوژيكی صورت گرفته ٣٤-٥٩ فيصد در سگ ها، ٣٤ فيصد در پشك ها، ٤٧ فيصد در گاوها و ٤٨ فيصد واقعات در بز ها تشخيص گرديده است. سروی كه در كانادا صورت گرفته نشان ميدهد كه ١٧ فيصد در گاوها، ٦٥ فيصد در گوسفندها و ٩ فيصد در اسپ ها و ٢ فيصد واقعات آن در پشك ها تشخيص گرديده هم چنان عين سروی در حيوانات وحشی كانادا صورت گرفته درتمام حيوانات وحشی بشمول آهو ها اين مريضی تشخيص گرديده است.

در حيوانات اهلی مرض متذكره زياد تر بز و گوسفند را متضرر ميسازد كه باعث سقط جنين و يا پيدايش بی وخت و چوچه مرده درين نوع حيوانات ميگردد.

به انسان ها مرض اضافتر از طريق خوردن شير و يا گوشت خام سرايت ميكند.

در سال های ١٣٥٦ هـ ش يكی از متخصصين بلغاريه در پوهنحی وترنری پروگرام تحقيقی را در باره Toxoplamosis شروع نمود، يك تعداد از محصلين را Reaction test نمود بعد از ٤٨ ساعت دوباره انها را مشاهده نمود و در دست كسانيكه سرخی به اندازه دكمه توليد شده بود از انها پرسيد كه در خانه كدام نوع حيوان داريد اكثريت آن ها پشك داشتند اما در همان وقت وزمان به آن ها هيچ نظر نداد بعداً در اديتوريم پوهنتون سيمنار داير نمود و اين موضوع را در آديتوريم ذريعه يكتعداد فلم های مستند تشريح نمود در فلم ها افات را نشان داد كه ذريعه Toxoplasmosis در حيوانات خانم های حامله و اطفال بوجود آمده بود.

در يكتعداد اطفال نوزاد خصوصاً در ناحيه سرشان دانه و آبله ها تشكيل شده بود اين ها اطفالی بودند كه قبل از وقت بدنيا آمده بود.

علايم كلينكی مرض نظر به نوع و عمر حيوان فرق ميكند، اما در اكثريت حيوانات علايم كلينكی آن مشابه سير ميكند. در حيوانات جوان سير مرض بشكل حاد ميباشد در حيوانات پير سير مرض با تغيرات در سيستم عصبی يكجا می باشد. در حيوانات جوان خصوصاً در پاپی ها و پشك ماده علايم كلينكی عمده آن ، تب، كم اشتهائي، سرفه، مشكلات تنفسی ، اسهال، زردی و علايم عصبی ديده ميشود،همچنان سينه بغل، التهاب لمفنود ها التهاب جگر، التهاب عضلات قلبی وغيره ديده ميشود.

اگر اعضاي جنسی و سيستم تناسلی به مريضي-Toxoplamosis مبتلا باشد در حيوانات مؤنث سقط جنين و چوچه بی وخت يا مرده تولد ميشود خصوصاً در بز و گوسفند اين حالت زياد به مشاهده ميرسد. در حيوانات حامله پرازيت از طريق خون به رحم و پرده های چوچه سرايت ميكند كه بالاخره سقط جنين را بار مياورد در بعضی حيوانات امكان دارد مريضی بعد از ولادت به سيستم تناسلی حيوان سرايت نمايد، در حيوانات گوشت خوار مانند سگ و پشك كه در خانه نگهداری ميگردد مريضی از طريق خوردن گوشت خام و يا نيم پخته سرايت می نمايد، در حيوانات علف خوار مريضی از طريق خوردن علف ملوث با تخم پرازيت oocysts سرايت می نمايد طوريكه قبلاً ذكر شد اكثريت دهاقين و مالداران در خانه، ها پشك نگهداری می نمايند پشك ها در چمن زار ها يا در زمين های زراعتی رفع حاجت می نمايند. و تعداد زياد تخم پرازيت توكسو پلازما را از طريق مواد غايطه در رشقه، شبدر كه در بيرون خانه كشت گرديده يا در صحن حويلی اطراح و محيط را ملوث می نمايند زمانيكه گاو، بز و گوسفند ازين نوع علوفه جات استفاده نمايند به مريضی Toxoplamosis مبتلا ميگردد، در انسان ها نيز يا از طريق خوردن گوشت نيم خام يا بصورت تصادفی زمانيكه همرای پشك مستی ميكند تخم پرازيت را بلع نموده مرض سرايت ميكند.

كنترول مريضی Toxoplasmosis

- برای جلوگيری ازانتقال تخم پرازيت ها (oocysts) به پشك سعی بعمل آيد كه گوشت خام به آن ها داده نشود، از

بقيه در صفحه (٤٣)

ع، سبا

مسأله، ترس در کودکان و نقش خانواده

در زنده گی معاصر آنقدر ترسها واگیر شده است که عصر ما را روان شناسان بنام عصر اضطراب نامیده اند. از نگاه تاریخی قرن بیستم از نگاه ترس از سده های قبلی فرقی ندارد، امادرین عصر پیشرفت های شگرف در تمام عرصه های دانش رونما گردیده که ترس را نیز به مشابهء یك پدیدهء روانی مشخص تر گردانیده است.

اطفال از همان آوان کودکی کم و پیش تحت تاثیر ترس قرار گرفته و حتی بعضی از آنها به اندازه یی می ترسند که آزادی عمل بکلی از آنها سلب می شود. غالباً بزرگتر ها نیز دچار ترسهای بی موجب می شوند که ریشه آنرا می توان در کودکی شان جستجو نمود.

ترس عبارت از هیجان و عکس العملی است که طفل در مقابل یك شی یا یك پدیده ابراز می کند، امکان دارد پدیدهء مذکور واقعاً ترسناك باشد یا اصلاً ترسی نداشته باشد، ولی در هر دو حال چون برای او نا شناخته است سبب وحشتش می شود ، این نوع ترسها عموماً با نا راحتی های جسمی و ظاهری چون سرخ شدن و پریده گی رنگ صورت، عرق، تنفس نا مرتب، تپش قلب و احساس خفقان همراه است.

تخیل نیز در مسأله ترس کودك تأثیر فراوان دارد به طور مثال انتباهات در شناخت اشیاء ومناظر قدیمی که در نظرش ناخوش آیند بوده اند، می تواند در ترساندن او مؤثر واقع شود. یا اینکه امکان دارد ترس نا معلوم از احساس درونی سرچشمه گرفته باشد وهیچگونه وجود خارجی نداشته باشد، ترس از شب و تاریکی، نمونه یی ازین نوع ترسهاست.

کلیه هیجانات ناشی از اضطراب وترسهای بیهوده خیلی زود نیمتواند تظاهر نماید و مدت طولانی حتی بعضاً تا سنین بلوغ ادامه می یابد، کمی بعد تر یعنی زمانی که عقل و منطق طفل تکامل بیشتری می یابد و قدرت دراکه اش قوی تر میشود و می تواند در مورد محیط و اطرافیان خود قضاوت دقیقتر نماید، باز از چیزهایی بیم دارد، چیزهایی که بعضاً به نظر خودش نیز مسخره می آید و از همین رو اکثر از ابراز آن خود داری می نماید و این احساس را در خود فرو می ریزد، در این حالت او ازموجود بخصوصی ترس ندارد، بلکه یك واهمهء کلی همواره او را نا راحت می کند، این گونه اطفال بسیار

کمرو و محجوب بار آمده و شخصیت شان دارای ثبات و استقامت لازم نمی باشد. و در همین جاست که مسوولیتی بزرگ متوجه والدین می گردد و آن اینکه آنها وظیفه دارند تا تمام تلاش خود را به خاطر ریشه کن ساختن اینگونه ترسها و اضطرابها بکار برند و بر عکس تهور و شجاعت را برای اطفال و کودکان تلقین نمایند تا در پرتو آن اطفال احساس شخصیت مستقل نموده و بتوانند ترسهای واهی وتخیلی وموجودات خیالی و وحشت انگیز را از ذهن شان برانند.

نخستین دوره، ترس اطفال و کودکان از فاصله شش تا هشت ماهه گی آغاز می شود و تقریباً تا هجده ماهه گی ادامه می یابد، درین دوره، طفل ترس خود را در قالب دوری و روی گردانی از افراد ناشناس و نا آشنا ظاهر می سازد، او مایل است تا تمام اوقات در کنار نزدیکان و مخصوصاً مادر خویش باشد، دوری از مادر برای طفل نا راحت کننده وغیر قابل تحمل جلوه میکند.

دومین دوره، بروز شدید ترس در اطفال از دوساله گی تا پنج ساله گی می باشد درین دوره رشته، احساس وابسته گی شدید طفل به مراقبین و پرستاران وی یعنی پدر و مادر، رفته رفته سست می‌شود، کودك خویشتن را می شناسد و متوجه می گردد که شخصاً دارای خواسته هایی است.

اکنون او بر وجود خود آگاهی یافته است و می تواند میان خود و دیگران تمیز قایل شود، در نتیجه تلاش می کند تا خواسته های خود را نیز مشخص و از خواسته های دیگران جدا سازد، به همین سبب در مقابل دیگران دست به لجبازی و عناد می زند، از طرفی نتیجه، این عناد و لجبازی برای کودك آنست که احساس می کند میان او و بزرگتر ها فاصله و شگافی ایجاد گردیده است و در همین هنگام است که کودك برای اولین بار خود را تنها ومنزوی می یابد، احساس انزوا و تنهائی نیز درد آور است و موجب ترس می شود، به همین دلیل همیشه لجباز و عناد با ترس توأم است، چنانچه در کودکان لجبازی همیشه علایم ترس بخوبی دیده میشود، درین دوره اطفال معمولاً گرفتار ترسهای مؤقتی و زود گذر، مخصوصاً ترس از تاریکی، ازجانوران خطرناك و امثال آن می شوند.

ترس کودك از جانوران خیالی خطرناك در حقیقت یك ترس تغییر جهت داده به شمارمی رود، منشاء اصلی آن ترسی است که در مقابل یکی از بزرگان مخصوصاً پدر بر وجود مستولی می شود، ازآنجا که طفل پدر خود را دوست می دارد و نمی خواهد از او وحشت داشته باشد، این ترس در وجود او تغییر جهت می دهد و در قالب ترس از موجودات خیالی جلوه گر می شود. درینجا باز هم نقش خانواده به ویژه پدر و مادر برجسته می شود، درین حالت والدین مکلفیت دارند تا کودك را از همان آوان کودکی با محیط های مختلف هم آهنگ سازند، یعنی او را از واقعیت های اجتماعی و دو از حوادث بدور سازند، کودك باید اطمینان پیدا کند، تغیراتی که در زمینه های مختلف به وجود می آید به هیچ وجه برای وی خطری ندارد، بلکه این تغیرات سبب می شود که او بتواند با خطرات مبارزه کند، بنابر این لازم است که او را برای مواجه شدن با مشکلات کاملاً آماده ساخته و با شهامت و دلیر بار آورند. برای این کاردرك عکس العمل های طفل، پرستاری کامل از او و ابراز محبت به او ضروری ومهم به نظر می رسد.

مشاجرات دایمی والدین محیط خفقان آو، تهدید های مداوم و محدودیت های پیش از حد از جمله عواملی اند که محیط

آرام خانواده را دگر گون ساخته و احساس عدم امنیت را در طفل تشدید می بخشد.

نتایجی را که ازین مبحث باید گرفت این است که ترس در برخی موارد یك عکس العمل طبیعی است، ترس معمولاً ناشی از خطر حقیقی یا تخیلی خارجی یا داخلی می باشد، همچنان منشأ آن می تواند از تغیر ناگهانی در موقعیت قبلی طفل باشد، همان طوری که ذکر شد، هماهنگ شدن با محیط جدید ضروری به نظر می رسد.

رفتار والدین و محیط خانواده گی درین امر تأثیر بسزایی دارد، بر والدین است تا ابتدا ترس را پیش بینی کنند، مقصود این است که از طرفی باید از چیزهای که سبب اضطراب طفل می شود دوری گزید واز جانبی هم در طفل حس اعتماد به وجود آورد.

بالاخره نباید ترساندن طفل را به عنوان حربه یی برای تعلیم و تربیه بکار برد، درحالیکه از موقعیت های نا راحت کننده می کاهد، باید طفل را همواره برای پذیرش محیط های جدید آماده ساخت، تعلیم و تربیه نیز مانند تغییر دادن غذای طفل است، پس او باید برای پذیرش تضادهای مختلف و جدید آماده باشد. باید طفل را در محیط آرام و مطمئن به پرورش وتربیه گرفت تا از فکر اینکه روزی مانند پدر و مادرش خواهد شد وحشت نکند، همچنین او را باید برای نترسیدن ، مواجه با مشکلات و ترك کمرویی آماده کرد.

از ترسانیدن طفل به وسیلهء عوامل خیالی چون اتاق تاریك و وحشتناك و موجودات خیالی ساخته شده ذهن خود باید بر حذر بود.

بقیهء Toxo Plasmosis

خوردن پرنده و موش، پشك ممانعت شود، مواد خاکروب و جای بود وباش پشك روزمره پاك گردد و خانم های حامله از نزدیکي به پشك خود داری نمائید.

- کسانیکه در لابراتوار ها کار مي کنند و مواد فضله پشك را معاینه میکنند به آن ها نیز امکان سرایت مرض زیاد است این ها باید میزهای لابراتوار و دیگر وسایل را پاك نگاه دارند تا از ملوث شدن میز و دیگر وسایل لابراتوار جلوگیری بعمل آید هم چنان این نوع اشخاص لباس های محافظوی و دست کش استعمال نمایند.

- گوشت بصورت درست پخته شود

از بین بردن تمام حیوانات که در آن ها مرض تشخیص گردیده یا مشتبهه اند، در نزدیك فارم های حیوانات از رفت و آمد پشك های خانگی و وحشی جلوگیری بعمل آید.

- در جاهای که مرض تشخیص گردیده غذاهای که به مصرف انسان ها میرسد مانند گوشت و شیر و دیگر مواد غذائی برای از بین بردن تخم پرازیت ها (oocysts) به درجه حرارت ۹۰ درجه سانتی گرید برای ۳۰ ثانیه و یا در ۵۰ در جه سانتی گرید برای دونیم دقیقه ضرورت است.

علاج مریضی Toxoplamosis

برای علاج آن در حیوانات مریض میتوانیم که از sulfadiazine به مقدار ۷۳ ملی گرام فی کیلو گرام وزن وجود استفاده نمود، اگر همرای Pyrimethamine به مقدار ۰,۱۴ ملی گرام فی کیلو گرام وزن وجود استفاده گردد باعث تقویه شدن Sulfadiazine خواهد شد برای علاج انسان ها نیز ازین ادویه استفاده میگردد، سعی گردد که هر چه زودتر علاج صورت گیرد این ادویه ها امکان دارد اثر منفی بالای مغز استخوان نمائید که میتوانیم آن را ذریعه ادویه Filinic acid, vit-B جلوگیری نمود.

اصلاح عرضه آب قابل استفاده به نباتات

م . ا. جهدری

آب یکی از عوامل محدود کننده نموی نباتات است. نباتات برای نموی خود به مقدار معین آب ضرورت دارند که در کمتر از آن تولیدات نباتی ناممکن است بر عکس افزایش یك مقدار نسبتاً کم از مقدار معین آن ازدیاد قابل ملاحظه را در تولیدات بار میآورد. همچنان یك افزایش کوچك در رطوبت خاك و یا تقلیل ضایعات آب بیك تأثیر غیر متناسب بالای حاصلات می نماید. اصلاح رژیم رطوبت، تبخیر و تعرق (ET) نیز به ناچار افزایش میابد. لیکن تاثیرات بالای حاصلات همیشه در کمبود و یا سکتگی در رژیم رطوبت بیشتر است.

اصلاح رژیم رطوبت در خاك به دو طریق ذیل میسر است:

الف: با افزودن مقدار آب که در خاك ساحه ریشه ذخیره میشود.

ب: تقلیل ضایعات آب از اثر تبخیر و تعرق.

این دو طریقه میتواند مکمل همدیگر باشند. بعضی فعالیت های تنظیم مزرعه قلبه کردن (آماده نمودن زمین) میتواند تأثیر همزمان داشته باشد. قلهذا برای سهولت،هر یك از این ها را جداگانه بحث میکنیم:

افزایش ذخیره آب در منطقه ریشه:

تشکیل یك ذخیره آبی از بالا تا پایین خاك منطقه، ریشه در زراعت اهمیت حیاتی دارد. آبی که در منطقه ذخیره نفوذ میکند میتواند با ضایعات نسبتاً کم برای مدت طولانی تر از آنکه عموماً تصور میشود ذخیره شود. در منطقه مدیترانیه نباتات مانند باجره، خربوزه و کنجد در ماه های گرم تابستان میتواند نمو کند بدون اینکه یك قطره باران هم در وقت کشت تا رفع حاصل برایش برسد. و از رطوبت که در ماه های زمستان در منطقه ریشه ذخیره شده میتواند حاصل بدهد. در میدان های بزرگ امریکایی شمالی تحقیقات ثابت نموده مقدار رطوبت که در خاك قبل از کشت گندم تیر ماهی ذخیره میگردد، بر پیمانه وسیع میتواند مقدارحاصل متوقعه را تعیین کند.

مقدار آب که توسط نبات اخذ میگردد مربوط به نفوذ آب در خاك و جریان آب در روی زمین است با تقلیل جاری شدن

آب در روی زمین وافزایش نفوذ آب در خاک و جریان آب در روی زمین است با تقلیل جاری شدن آب در روی زمین و افزایش نفوذ آب در خاک میتوان مقدار ذخیره آبی خاک را افزایش داد و از اثر تأثیرات مفید آن حاصلات افزایش یافته و مقدار مجموعی بارنده گی مؤثر ومکفی واقع گردد.

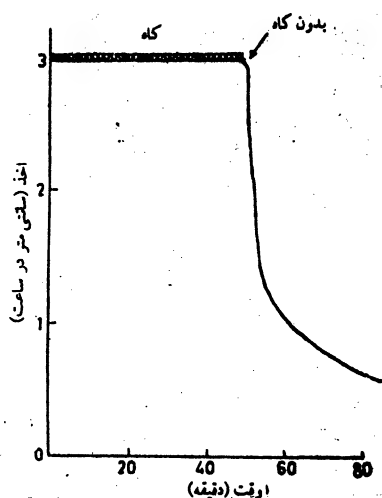
جلوگیری از جاری شدن آب در روی زمین:

این تا اندازه یی مهمل به نظر میرسد اما عملی است که هر قدر اقلیم خشک باشد به همان اندازه سطح تخریب توسط باران زیاد است. بارنده گی در مناطق خشک (حاره) مجموعاً باعث جریان شدید سیل میشود. سر سبزی های کوچک، تنک و پراگنده طبیعی بسیار کم موجب حفاظت خاک میشود. مقدار نفوذ به سرعت پایین آمده و سرعت جریان آب بلند میرود. اکثر طریقه های حفاظت خاک مانند کشت خطی، قلبه کردن دوره ای، و زراعت مرتبه دار و مرتفع (Terracing)وغیره که هدفش کاهش و بطی نمودن جاری شدن آب در روی زمین بوده و در افزایش مقدار آب که در خاک ذخیره میشود مؤثر است. مطالعه ذخیره آب در خاک های لوم کم عمق (Shallow loam)در هند که بارنده گی سالانه آن ٤٠٠ ملی متر بود با بندك زدن و یا پلوان بندی مقدار رطوبت خاک را ٥٠ الی ١٠٠ فیصد افزایش بخشیده در حاصلات الی ٧٠ فیصد افزایش رونما گردید که نتیجه ذخیره رطوبت اضافی در خاک به شمار میرود.

سرسبزی، خاک را حفاظت کرده و عامل عمده کنترول جریان آب در روی زمین است. نباتات قسماً سرعت و شدت قطرات باران را کاهش میدهد. و جریان آب در روی زمین را بطی میسازد. تخریب سرسبزی در آبریزه تخریب خاک را افزایش میدهد و باعث جریان سریع آب میگردد که کنترول آن مشکل است.

افزایش نفوذ آب در خاک:

حفظ و نگهداری نفوذ مقدار زیاد آب در خاک هدف عمده منجمنت خاک است، جریان آب در روی زمین را تقلیل بخشیده و مؤثریت بارنده گی را افزایش میدهد در عین وقت تخریب خاک به حد اقل تقلیل میابد. مقدار نفوذ آب در خاک مربوط به ساختمان خاک، پوشش خاک، درجه خشکی، سرعت و مدت بارنده گی است وقتیکه باران بالای زمین برهنه میبارد روی خاک باثر قطرات باران تخریب شده و مسامات خاک روی زمین با ذرات خاک مسدود میگردد و به این ترتیب مقدارنفوذ اب در خاک را به سرعت تقلیل میدهد.



شکل (١) تأثیر پوشش زمین با کاه در جذب آب توسط خاک

کشت نباتات خطی مانند پخته، جواری، باجره به تناسب نباتاتی که غلو کشت میشوند مانند علوفه جات و غله جات خاک را از صدمه ریزش باران کمتر حفاظت میکند.

سابق تمایل به آن بود تا اندازه و مقدار نفوذ آب را تقلیل بدهند. کاشتن متواتر آنچه را ضرورت دارندAgrigat یا تجمع و یا تراکم خاک را تقلیل میدهد. تمام عواملی که ساختمان خاک را اصلاح میکند نفوذ آب را نیز اصلاح میکند. بر عکس عوامل تخریب نفوذ آب در خاک، خاک را متضرر میسازد. همچنان اگر طبقه پایین خاک غیر قابل نفوذ باشد با وصف آنکه خاک طبقه بالایی زمین خوب قابل نفوذ باشد موجب ذخیره شدن آب به شکل حوض و یا جریان آب در روی زمین میشود.

استفاده و یا بهره برداری از آب:

در اقلیم مرطوب جریان آب بروی زمین وقتی واقع میشود که باران در اراضی مشبوع ببارد. هر قدر اقلیم خشک باشد به همان اندازه به ندرت دیده شده که خاک به اثر بارنده گی مشبوع شود و از خاک که مشبوع نیست جاری شدن آب بروی زمین باثر باران دوامدار و شدید بسیار بدفعات صورت میگیرد.

تحت شرایط خشک، تقلیل جریان آب در روی زمین و افزایش مقدار نفوذ آب غیر مؤثر بوده چه وقتیکه مقدار رطوبت که باید در خاک ذخیره شود ذخیره نشده، به هر حال برای مقدار محصولات نباتات کافی نمی باشد.

در بعضی حالات کوشش به سمت مقابل نیز شود تا نفوذ آب تقلیل یابد و جاری شدن آب روی زمین در بعضی ساحات زیاد شود که بعداً منحیث منبع تهیه آب برای ساحات پایین تر به کار برده شود.

طریقه های بهره برداری از آب:

در اساس بهره برداری از آب مشتمل است، در استعمال آب که از یك ساحه خارج میشود باید طوری معامله گردد که جریان آب بارنده گی در روی زمین را ازدیاد بخشیده و رطوبت خاك های که به ارتفاع پایین قرار دارد تقویه گردد. در عده یی از مناطق خشك و حاره بارنده گی ها به تنهایی برای حاصلدهی نباتات کفایت نمیکند با بهره برداری از آب که در خاك نفوذ کرده جمع آب که بروی زمین تجمع نموده در صورتی کفایت خواهد کرد که بین منبع آب ده و ساحه آبگیر یك نسبت درست برقرار گردد.

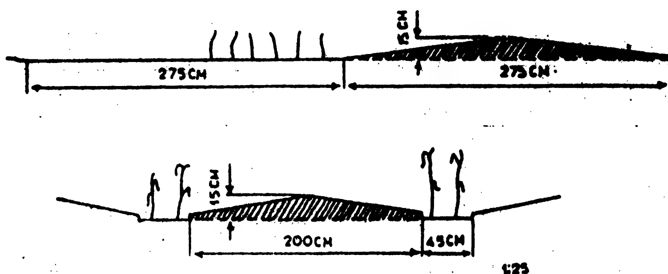
بهره برداری آب توسط Nabateans سابقه بیشتر از ۲۰۰۰ سال دارد و هدف اقدام تکنالوژی معاصر انکشاف طریقه بسیار مؤثر تقلیل نسبت بین منبع آبده و یا اکمال آب و ساحه آبگیر است.

دو طریقه عمده بهر برداری از آب یکی رهنمایی و انتقال جریان آب از تپه های برهنه و غیر پوشیده به ساحه نسبتاً هموار و ایجاد یك کول (آب ایستاده) کوچك در یك ساحه کم و بیش هموار.

آبریزه خورد (Micro watersheds) آب های رود خانه ها و دریا ها را تنظیم میکند:

طرز کشت نباتات انکشاف داده شود که در آن جریان آب از یك قسمت مزرعه به جویه های که در آن نباتات کشت شده متمرکز گردد. نبات که به قطارباریك در بین دو قطار نبات اصلی که عرض بیشتر دارد کشت میشود شکل پلوان را به خود گرفته به مقیاس کوچك طور مصنوعی نمایش دهنده آبریزه کوچك و یا Watershed می باشد..

این برامده گی و یا پلوانها بعداً متراکم ساخته میشوند تا جریان آب را در قطار نباتات ازدیاد بخشد. عرض خطوط آب در رده ها و قطار نباتات تولیدی مربوط است به بارنده گی متوقعه سالانه. نسبت معمول آنها بین ۲:۱ تا ٤:۱ می باشد.



شکل (۲): آبریزه های کوچك

بالا: مایکرو واترشید برای غله جات کوچك

پایین: مایکرو واترشید برای نباتات خطی

این سیستم نظر به سیستم شدیار بهتر موثر است در سیستم شدیار آب از یك موسم به موسم دیگر ذخیره میشود و ساحه مجموعی یك سال بعد کشت میشود.

در وطن ما آنرا یك بوره، دو بوره میگویند. طرق مختلف افزایش جریان آب از خطوط آبدهنده در مناطق خشك غرب امریکا و سایر کشور ها کشف گردیده است. دو طریقه عمده که از آن استفاده، میشود عبارت اند از:

۱- پوشانیدن زمین با پلاستیك، رابر، آهن چادر وغیره.

۲- جلوگیری از نفوذ آب و سخت نمودن روی زمین بواسطه مواد ارزان قیمت که بتواند نفوذ آب در خاك را تقلیل بخشد. مثلاً با پاشیدن خاك رس (Clay)در زمین برای مسدود ساختن سوراخهای خاك.

با استعمال ٤٥ کیلو گرام سودیم کاربونیت در فی هکتار ۷۰ فیصد باعث جریان آب در زمین برهنه و خاك رس و شن (Clay-loam) گردید.

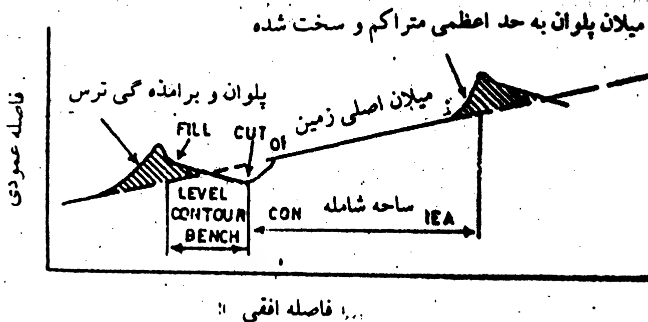
این طریقه مربوط است به کنترول مؤثر تخریب ، در غیر آن خاك که به کار برده شده در یك موسم دور ساخته میشود.به کار بردن مواد آب دور کن مانند سلیکان نتیجه قناعت بخش داده است. پاشیدن اسفالت نسبتاً ارزان قیمت بوده برای پوشش و بند نمودن مسامات خاك کار گرفته میشود.

نقص عمده استعمال فلم های مختلف قیمت بلند و حساسیت آن در برابر باد است که تخریب میگردد. تحقیقات ادامه دارد تا مواد ارزان قیمت و مقاوم را انکشاف بدهند فعلاً برای تقلیل خساره مند شدن کنار های فلم را باسفالت بسته میکنند که عجالتاً طریقه بسیار قناعت بخش دافع آب و سخت ساختن روی خاك است.

ساده ترین طریقهایجاد یك سطح صاف و لشم روی زمین است در یك خاك رس و شن با ٤ فیصد سلوب و یا میل به وسیله این طریقه از ۱۹۵ ملی متر بارنده گی ۲۱ فیصد جریان آب در روی زمین بوجود میاید. فلهذا این طریقه در ساحات که ضرر تخریب به حد اقل باشد قابل تطبیق است.

تذخیر آب در طریقه بنچ ترس :

یکی از سیستم های مرتبه دار نمودن در مناطق نیم حاره میباشد که توسط Houser, Zingg طرح گردیده که نه تنها جریان آب را کاهش میدهد بلکه جریان آب را به سطح هموار بنچ پخش میکند که برای استفاده، نباتات در خاك ذخیره میشود.



شکل (۳):

مقطع عرضی کنترول میلان برای حفاظت و نگهداری بنچنگ

تجربه مزرعه این نوع مرتبه دار نمودن نشان میدهد که به نتایج مطلوب میتوان رسید، بشرطیکه این طریقه و روش:

۱- دقیق هموار کاری صورت میگیرد.

۲- برامده گی تراس به حد کافی باشد تا آب اضافی را بدست آورد.

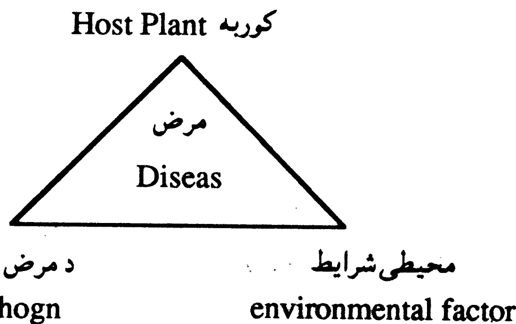
۳- تطبیق کود صورت گیرد تا از آب ذخیره طور موثر استفاده شود. در یك منطقه با اوسط بارنده گی ٤٧٠ ملی متر (عمدتاً بارنده گی تابستانی پیشنهاد میشود تا ۱/۳ حصه ساحه مزرعه را ترسنگ و متباقی ۲/۳ را برای ساحه و اترشید اختصاص داده بدهند.

د غنمو د سرخی مرض (Rust)

انجینر محمد شریف

د غنمو سرخي يووبائي (Apidimic) مرض دی چې د شيوع په کلونوکي يې داقتصادي پلونه ډيرې خساري اوزيانونه بزګرانو ته رسوي. دا مرض ډير قسمونه او شکلونه لري، لکه د ، دغنمو د پانو سرخي، د غنمو د ساقی سرخي او د غنمو دوړی او دانی سرخي چې د ټولو عامل فنګس (fangi) دی.

که څه هم د تيرې پيړۍ له اوله تر اوسه پدی لړه څيړنی او پلټنې دوام لري او يو څه اندازه پرمختګ هم پکی شوی دی چې داخساری د اصلاح شويو تخمونود کرلو په واسطه کمی او يا رفع کړی خو بيا هم کله چې دا اصلاح شوی تخمونه ددی مرض سره حساس شی نو تر وطنی او ځمبنی تخمونونه ئی هم خساره زياته وی. دا ځکه چې اصلاح شوی غنم هم يا ګډشی او يا هم په خپل ځان کی تغيرو خوری يعنی چې ددی غنمو سره نور غنم يا د فزيکی لحاظه ګډشی او يا هم د جنسی نظرڅخه ګډشی . له بلی خواف هر هغه کوربه (بوټی) چې د سرخي د مرض سره مقاوم وی نو د مرض عامل هم کوښښ کوی تر څو داسې خواص خپل کړی چې په مقاوم جين لرونکی کوربه (بوټی) باندی حمله و کړای شي او هغه په مرض مصاب يا ککړ کړی. لکه تير کال (۱۹۹۸) کال کی چې د (Attay-85) غنمو حاصلات د سرخي د مرض له کبله ډير کم شول هغه هم په هغه سيموکی کوم چې اوبه، رطوبت او حرارت يې زيات وه لکه په وردګوکی ددرهٔ نور (د تنګی دره) چې هلته رطوبت او او به هم زياتی دی او نسبتاً ګرم هم دی او له بلی خوا ددی سيمی بزګران د يوريا (سپينه سره) هم ډيره استعمالوی . چې د نبات دتيزی ودی او چپه کيدو سبب ګرځی. ددی مرض عامل ته يو دری ګونی حالت لازم دی چې مساعد شی تر څو په کوربه (بوټی) باندی حمله و کړی. چې په لاندی ډول ښودل کيږی:-



د پاسنی شکل په نظر کی نيولو سره که هر يو ددی دری ګونی اجزاؤ څخه مونږ ليری کړو نو د مرض نه به مو مخ نيوی کړي وی. مګر مونږ نشو کولی چې محيطی شرايط کنترول کړو او هم نشو کولای چې کوربه بوټی ليری کړو ځکه هغی ته ډيره اړتيا ليدل کيږی او هم د مرض عامل نشو کولای چې له منځه يوسو. نويوازی هدف مو دا شو چې څه ډول کولای شو چې د مرض عامل د حملی کو لو نه پاتی راولو.

دوراثت دعلم (Genetic) پوهانو کوشش کړی چې ددی عامل په مقابل کی مقاوم جينونه د مقاومو کرموزومو په واسطه پيدا ، تشخيص او (بوټی) نبات ته ئی انتقال کړی تر څو د مرض عامل ونشی کولای چې دا بوټی په مرض مصاب يا ککړ کړی.

پاتی په (۳۰) مخ

خانه ام خراب مکن!

میان شاخهء لیمو
بروی بیضهء خود کفتری سفید، رمید،
و روی شاخهء دیگر نشست سرگردان
و خواند:
به کودك نا اهل،
خانه ام خراب مکن

ساحل افتاده گفت گـر چه بسی زیستم
هیچ نه معلوم شـد آه که مـن چیستم
موج زخود رفته یي تند خرامید و گفت
هستم اگر مـی روم، گـر نـروم نیستم

علامه اقبال

د چا په مرگ پاندی خندا نده په کار
چه تاکل شوی ده، بشر ته دغه لار
په جهان وي اندیښمند هغه وګړی
چه ئې تل وي د خپل انجامه څخه ډار

سبد عبیدالله نادر

دمحبت سوز وگداز

الهي د محبت سوز وگداز را
په دا اورکی دستی سمندر ساز را
تن پرور بلبل دی عیش کاندی په گلو
پروانه لره په اور زما گداز را
چي نظر له ناتوانی و چاته نه کا
دهغو بیمار و سترگو راز و نیاز را
اضطراب د حرص مي کړي د زره نه لرې
قناعت، قوی لنگر ددی جهاز را
دحمید محموده رایشه پخپله
کمینی لره کمال زما ایاز را

حمید مومند

عید و کودك

برای من
تفنـگ کـوچکـی خـریده انـد
که با گلوله های کوچکـش
پرنده های باغ را شکـار می کـنـد
چـه عـیدی عجیـب وزشت ونامنـاسـبی
کـه ازهـراس آن
مـیان باغـهای سـبز و پـاك
پرنـده یـي که دوسـت داشـتم
زمـن فـرار می کنـد

بهمن صالحي

در بزرگداشت از
میلاد پیامبر اسلام ﷺ

تحت نظر ع سبا

زنجیر شکن بزرگ تاریخ

تاریخ بر دو راهی مرموز سرنوشت
ایستاده بود و چشم به ظلمت سپرده بود
«او» آمد و چراغ مقدس بدست او
راه نجات را به دل تیره گی کشود

انسان به زیر خرمن زنجیر می خزید
در بند بود گردن آزاد آدمي
خم گشته بود پشت جهان زیر بار جور
رنگی نبود ز آدم و بویی زمردمي

او از حجاز آمد و قرآن بدست او
تاج کرامتی بـــه ســـر آدمی نهاد
زآواز پای او همه زنجیر هـــا شکست
بـرکاخـهای ســر بــفــلك لــرزه اوفتاد

کله کله په خپل عجز باندی نظر
په حالت د هر انسان کوی اثر
بزرگانو لدی لیاری نه هر کله
په حریم د ولایت کړی گذر

سید عبیدالله نادر

خود مرض عامل هم کوشش کوی چی داسی مقاوم جینونه (کرموزومونه) او یا خواص ولری اویائی خپل کړی چی په دی مقاوم بوټی باندی حمله و کړی. کله چی د مرض عامل داسی خواص او جینونه پیدا کړل نو بیاد مخ ته کیدو لو به د کورېه (بوټی) او د مرض د عامل په منځ کی شروع شی چی دالویه د محیطی شرایطو په برابروالی پوری اړه لری که چیری محیطی شرایط د مرض د عامل لپاره برابر شی نو هغه به په کوربه (بوټی) باندی حمله و کړی او که د مرض عامل ته محیطی شرایط برابر نشی نو دالویه به بیا دکوربه (بوټی) په گټی وی او روغ به پاته شی.

د مخه مو ویل چی دسرخی مرض په غله دانو کی داصلاح شوی ورایتی گانو په واسطه داسی تر کنترول لاندی راغی چی یو مقاوم جین (کروموزم) یو ورایتی ته انتقال شی نو پدی کوربه ورایتی باندی د مرض عامل گذاریا حمله نشی کولای او که حمله و کړی نو زیان راوړونکی به نوی خودا مقاومت تر هغه وخته پوری دوام لری تر څو چی دمرض د عامل په نسل کی داسی بل نژاد (جین) پیداشی چی د کوربه ددی مقاوم جین مقابل کی قوت ولری او هغه ککړ کړای شی. نو ډیر دا حالت دمرض په عامل کی د تناسخ(Mutation) په واسطه منځ ته راځی. اوس لازمه ده چی د تناسخ په هکله هم یو څه رڼا واچول شی. د جینو نو د شکلبدلون تناسخ (Mutation) وائی چی په خود بخودی یا ناڅاپی توگه صورت مومي. البته د هغو جینو نو د بدلون باعث گرځی چی په حجره (ژونکه) کی د معلوماتو د ساتلو مسؤل وی. تناسخ هغه وخت پیښیږی چی په (DNA) کی د کیمیاوی نظر څخه بدلون راشی . نو کلو رائید زیات او یا هم کم شی چی پدی صورت کی عادی سلسله د نو کلورائید نو په جن کی تغیر کوی اود تحول کړی معلوماتو تبارزښکاره کوی.

کله چی د مرض د عامل جین بیا هم د حملی کولو قدرت پدی مقاوم کوربه باندی ومومی، نو باید پوهان بل مقاوم جین تشخیص او میزبان ته ئی انتقال کړی. چی پدی اساس د نسل گیری د پوهانو دا فعالیت (نوی مقاوم جینونه تشخیص او کوربه ورایتی گانوته د هغه انتقال) نه خلاصیږی څکه چی یو کوربه بوټی حساس او په مرض ککړ شی نو باید بل کوربه بوټی ته مقاومت ور کړل شی ددی تر څنگ چی (د مقاومو جینونو په واسطه) دا کار دوام لری، پوهان باید پدی لټه کی هم وی چی د مرض د عامل دتولو نژادو او یا جینو نو په مقابل کی مقاوم جینونه تشخیص اؤ کوربه بوټی (ورایتی گانو) ته ئی انتقال کړی. خو تر اوسه پوری ندی بریالی شوی. که نه نو مقاوم نسل به پیدا او د مرض مخنیوی به په کلی ډول شوی وای . خو دا مقاومت هم په ټولو غلو دانو کی یو شان ندی او فرق لری(البته د فزیولوژی له نظره) کیدای شی د یوه جنس مخنیوی شو وی خو د بل جنس به نوی شوی.

دډیرو تجربو څخه داسی معلومه شوی ده چی که په کوربه (بوټی) کی کوم تغیر رانه وړل شی او یا هم په محیطی شرایطو او عواملو کی تغیر رانشی نو د مرض په عامل کی به هم د تغیر اتو بیلگی کمی وی. ددی وبائی مرض مخنیوی او کنترول د کیمیاوی د رملو په واسطه شوی دی خود اقتصادی پلونه به گران تمامیږی او که چیرته مزرعه زیاده او حاصلات زیاد وی او ضرر ئی هم ډیریږی نو کیدای شی چی کیمیاوی درمل استعمال شی او د بنومایل د درملو څخه استفاده وشی Benomylاو یا هم (Bayleton) استعمال شی.

خو ددی مرض د کنترول او مخنیوی ښه لاره لکه چی مخکی وویل شول داصلاح شویو تخمونو کرل او پس له څه مودی د تخم بدلول او د نوی تخمونو کرل دی. دوهم کوم تخمونه چی کرل کیږی مخکی د کرلو نه باید په ضد دفنجی درملو لکه (Vitavex) دوه گرام په یو کیلوگرام غنمو ککړ شی. داهم باید په پام کی ونیول شی چی په پسرلی کی دزیاتی سپینی سری استعمال هغه هم په یو ځلی سره د بوټی یا غنموونه په چټکی سره لوړه وی او د چپه کیدو په صورت کی رطوبت او حرارت زیات او په غنمو کی یو تفت (تعفن) پیداکیږی چی د فنگس د ژوند او پیداکیدو زمینه برابروی او وروسته د سرخی د پیدا کیدو سبب گرځیدای شی.

اثر کمك ها بالای جنگ

به سلسلهٔ پروگرامهای انکشافی، اقتصادی و اجتماعی، مؤسسهٔ هماهنگی کمکها برای افغانها (CoAR)، چندی پیش پروژه جدیدی به نام (How To Do No Harm) زیر دست گرفته شد.

این پروژه با اینکه از نظر اقتصادی اثرات مستقیم در کوتاه مدت ندارد، ولی تأثیر آن در انجام مناسب و مؤثر پروژه های اقتصادی دیگر در دراز مدت اهمیت عمده داشته و در تقلیل تشنجات به سطوح مختلف در کشورها و جوامع کمك گیرنده دارای ارزش فراوان و نقش تعیین کننده میباشد.

به گونه یی که نتایج مطالعات و پژوهشها در سطح ملی و بین المللی نشان می دهد اکثر کمکها و مساعدتهایی که توسط مؤسسات خیریه برای اینگونه کشورها با در نظرداشت طبیعت و عوامل داخلی و خارجی صورت می گیرد سبب بوجود آمدن سؤ تفاهمات و کشیده گیها در ابعاد مختلف میگردد.

دلیل این امر را می توان چنین بیان داشت، چون این نوع کمکها و مساعدتها بیشتر در جوامع و کشورهایی صورت میگیرد که از نگاه اقتصادی در سطح پائین قرار دارند روشن است که درین نوع کشورها زمینه ها جهت بروز منازعات بیشتر مساعد می باشد.

بنا بر آن ضرورت مبرم به وجود می آید تا جهت بهره گیری بهتر و مؤثرتر ازین نوع کمك ها، در گام نخست عوامل مختلفی که سبب ایجاد و بروز این نوع کشیده گیها می گردد تشخیص گردد و در قدم دوم در روشنی این عوامل اعم از عوامل داخلی و خارجی کمك ها و مساعدت ها طوری تنظیم گردد که باعث خود کفایی مردم و انسجام و اتحاد آنها در عرصه های اقتصادی و اجتماعی شود، نه آنکه باعث از هم پاشیدگی بیشتر آنها گردیده، از هم دور شان سازد.

به این ارتباط مؤسسه CoAR با همکاری دفتر NCA علاقه مندی خویش را برای استفاده از اساسات (How To Do No Harm) به خاطر تطبیق بهتر و مؤثرتر پروگرام CoAR نشان داده و مؤسسه NCAبرای بار نخست به ادامه برنامه های قبلی خود از تاریخ ٤ - ٦ می سال روان، ورکشاپ دو روزه یی را در دفتر ارتباطی کابل دایر نمود. درین ورکشاپ به تعداد ۹ تن از مسولین دفتر مرکزی در پشاور و دفاتر ساحوی از ولایات کابل، لوگر، وردك و غزنی شرکت ورزیده بودند.

در ورکشاپ متذکره روی برنامه های بعدی این پروژه تصامیم لازم اتخاذ گردید. همچنان در خلال آن یکی از پروژه های وترنری مؤسسه در پرتو جدولی بنام (جدول مطالعهٔ اثرات کمکها بالای جنگ) ارزیابی گردیده و نتایج دلچسپ از آن بدست آمد.

(اداره)



گوشهٔ از تدویر ورکشاپ Do No Harm در دفتر ارتباطی CoAR در کابل

آنجـا کجاست؟

مادر! تو به من می گویی، کجا بیشتر دوست دارم بروم؟ آنجا همان جایی است که من بار اول از آنجا پیش تو آمدم،ولی هرگز آنجا را نمی توانم به یاد بیاورم.

پدرم به تلاشم لبخند می زند و می گوید:«آنجا آنسوی ابر ها، در دیار ستاره، شامگاهی است» ولی من از تو شنیدم که ژرف است و در سینهء زمین است و از

آنجا گلها به جستجوی خورشید پر می دمند.

عمه می گوید:«آن دیار در تهء دریاست» دیده نمی شود و همه گوهر های گرانبها در گنجینهء آن پنهان است.»

برادرم مویم را می کشد و می گوید:«احمق، می توانی آنجا را بیابی، چون آنجا در هوا ناپیداست، وقتی به تو گوش می دهم به نظرم می رسد که آنجا باید در همه جا باشد.

فقط معلم ما سرش راتکان می دهد و می گوید:«آنجا هیچ جا نیست!» (تاگور)

* * *

مادران به دقت بخوانند

تب یعنی چه؟

زمانیکه حرارت وجود انسان از حالت عادی بلند تر شود، به نام تب یاد می گردد، تب به ذات خود کدام مرض نیست، بلکه بصورت مجموعی از موجودیت یك انتان (مکروب) به وقوع میرسد.

برای تشخیص علایم تب باید گفت که درحالات عادی حرارت وجود انسان در حدود ۳۷ درجهء سانتی گراد می باشد و هرگاه این حرارت از ۳۷ درجه سانتی گرید بلند تر برود، حالت تب است، درین حالت سر، گردن و تنه گرم بوده و ممکن است دستها و پاها سرد باشد، هرگاه همراه با تب احساس سردی ولرزه توام باشد دلیل آنست که تب به سرعت بالا می رود.

تب را می توان توسط ترمامیتر معلوم نمود، این وسیله را از نزدیکترین دواخانه بدست آورده می توانید، و اما طریق استعمال آن چنین است که نخست ترمامیتر پاك شسته شود و بعد نزد اطفال زیر بغل و نزد بزرگسالان زیر زبان گذاشته شود، قبل از گذاشتن خوب تکان داده شود تا خط حرارت از ۳۷ درجه سانتی گرید پایان برود. اگر ترمامیتر زیر زبان گذاشته شد یك دقیقه و اگر زیر بغل گذاشته شد دو دقیقه انتظار کشیده شود و بعد با دیدن خط حرارت درجهء تب تشخیص داده شود.

در حالت تب باید لباس نازك و سرد پوشیده شود، اتاق مریض باید دارای هوای تازه و صاف باشد. کوشش شود نوشیدنیهای سرد برای بیمار خورانده شود.

هرچهار ساعت بعد تب کنترل گردد. از تر بند جهت پائین آوردن درجهء حرارت استفاده شود.

درین حالات باید عاجل به داکتر مراجعه شود:

- هرگاه کودك کمتر از چهار ماه تب داشته باشد
- زمانیکه با وجود تر بند و گرفتن ادویهء ضد تب، حرارت پائین نیاید.
- هرگاه تب بیشتر از سه روز ادامه یابد.

هرگاه تب با شخی گردن همراه باشد.

هرگاه تب با اعراض دیگری از قبیل خارش جلد، گلو دردی شدید، سرفه با بلغم سبز، درد گوشها، درد شکم، هنگام دفع ادرار احساس درد و یا ازدیاد دفعات ادرار توأم باشد.

* * *

نکته ها در مورد زن

- زن را ستایش می کنم زیرا او مادر است.
- مادر است که جامعهء بشریت وجود دارد.
- مادر میوهء بهشت است.
- اگر زن نمی بود ، زنده گی روح نداشت.
- تواضع زینت زن است.

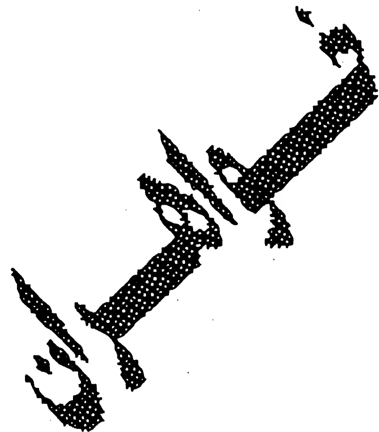
زن خوب به مردم الهام می دهد.

- زن نسل بشری را به روی کره خاکی تداوم می بخشد.

* * *

زن هـــا، اولیـــن هـــا

دانشمندان بدین باورند که تمدن از آن، آن قبایل وحشی و بربری بوده که دست از کوچ گردانی و کوچی گری کشیده و در یک محل



ساکن شده اند، به نظر این دانشمندان، زنان از همان اولین ها هستند یعنی اولین بخش ساکن بشریت در یک محل ثابت.

زنها، وقتی ساکن شدند، در دوران سکونت شان در هر یک محل به خاصیت رویش دانه هایی پی بردند و به این سان زراعت و کشاورزی را بنیانگذاری کردند.

زنها در دوران سکونت شان نخستین خشت مهندسی را گذاشتند و تدبیر منزل را نهادند.

زنها، اولین انسانهایی بودند که سفالگری را اختراع کردند و نخستین ظروف کلالی را ساختند.

خلاصه زنهااولین خشتهای تمدن بشری را گذاشتند واساسی ترین پای سنگهای زنده گی امروز بشری را طرح ریزی کردند.

* * *

سخنانی در مورد حقوق زن

انیسه بن سعید نویسندهء توانا و برجسته و دارای تحصیلات عالی که در لبنان دیده و به جهان گشوده و به بزبان فرانسوی تسلط کامل دارد و در علوم تاریخ و جغرافیه و علوم طبیعی دارای دسترسی می باشد، مقالات علمی مختلف در زمینه های گوناگون، در نشریه های متعدد به چاپ رسانیده است، یکی از نوشته های او مقاله یی است تحت عنوان «آخرین سخن در بارهء حقوق زن، که ما بخشی از آنرا درینجا می آوریم»

«هر مردی در پناه رأفت و مهربانی او به کمال رسیده و از پستان محبت او شیر نوشیده، پناهگاهی جز او نداشته ، اولین استاد او و نخستین مکتب دامن پر مهر وی بوده است.

آری، اوست که حاکم بر سرنوشت هر قوی و نیرومندی می باشد.، کدام قوی و زورمند، کدام زمامدار و بالاخره کدام دیکتاتور را سراغ دارید که پیش از آنکه بر مردم مسلط شود، تحت حکومت «مادر» قرار نگرفته باشد.

اگر خواهران من به این موضوع خوب دقت کنند و شخصیت خود را دریابند به این موضوع اعتراف خواهند نمود که زن یکی از دورکن اجتناب نا پذیر عالم هستی انسانی است...

خواهر من! هر کار بزرگی در مقابل وظیفه مقدسی که قانون آفرینش به عهده تو گذارده کوچك و ناچیز است، تو عهده دار نگهداری انسانیت از زوال و اضمحلالی ، تو باید مردانی نیرومند توانا، عالم، مهذب و تربیت شده به اجتماع تحویل بدهی ...

* * *

ساحه های جدید در استفاده از درخت

نوشته، احمد چکیر ترجمه، رحیم ابراهیم

«اگر میدانید که چند لحظه بعد قیامت بر پا می شود، با آن هم، نهالی را که در دست دارید بنشانید.» از ارشادات رسول اکرم ﷺ

درخت بخش بزرگی از عالم نباتات را تشکیل می دهد، استفاده کمی از اشجار در سراسر جهان سالانه به ۱۲ میلیارد تن می رسد. این مقدار اضافه تر از دو چند منابع فوسیل شده (ذغال سنگ و غیره) است. اما افسوس که بر خلاف مقدارها و تناسب ها، از این منبع بزرگ، با توجه به خصوصیت های آن، بهره برداری درست صورت نمیگیرد. وقتی که از مواد سوختنی و کاغذ نام گرفته شود، فوراً درخت در ذهن تان قد می افرازد. اما هرگز در ذهن تان نمیگذرد که درخت، به صفت ماده، کیمیاوی خام نیز میتواند خدمت کند و خصوصیت های دیگری هم دارد.

دانشمندان، برای استفاده کامل و خوب از درخت - این نعمت بزرگ خداوندی - به کامیابی های چشمگیری رسیده اند. مطابق نتایج تحقیقاتی که تا سال ۱۹۹۰ صورت گرفته، معلوم گردیده است که مواد کیماویی را که انسان، امروز از نفت و موادی مانند آن به دست می آورد، در آینده، از درخت بدست می آورد. مواد خام صنایعی مانند بافندگی، پلاستیك، ادویه و صنایع رنگ سازی که فعلاً پترول است، در آینده، درخت خواهد بود. امروز هم، پلاستیك، ابریشم مصنوعی و تارها از درخت ساخته می شوند.

از درخت، تارباب، مواد بافندگی، پلاستیك، دوا، ابریشم مصنوعی رنگها، مخصوصاً پترول به دست می آید.

کیمیادانها، استفاده از درخت را به صفت مواد سوخت و کاغذسازی یك اشتباه بزرگ میدانند.

کارشناسان توصیه میکنند که به جای درختهایی که دیرتر می رسند، باید درختهایی که زودتر می رسند، بیشتر و بیش از اندازه کاشته شوند. دانشمندانی که برای استفاده خوب از درخت کمر بسته اند، با تحلیل ساختمان درخت شروع به کار کرده، دانستند که نزدیك به نیم حصه، درخت از سلولوز تشکیل شده است. برای بهره گیری از این سلولوز برای ساختن تارباب، الیاف و رویه های لغزنده ماده، خیلی مناسب است. از طرف دیگر دانشمندان موفق شده اند که سلولوزهایی را که در آب، حل نمی شدند (گروپ هایدروکسل)، زنجیرهای گلوکوز را

به پوکسلیت یا ایتر تبدیل نموده، در حالتی درآورند که در آب حل شوند. این مالیکولهای آیونیك، در رنگهای آبی (مایع) و در ساختن شیرینی ها به کار گرفته شده است. از طرف دیگر امکان به دست آوردن سلولوزی که در آب حل می شود، ولی آب را ضایع نمی کند، نیز آماده گردیده. سوداهای کالاشویی و دیترجن های یك فیصد امروز از مواد بسیار مفید و کارآمد به حساب می آیند.



لیجین، یا سنگ بنای دیگر درخت:

لیجین بعد از سلولوز، در ساختمان درخت، سنگ بنای اساسی به شمار می رود. استفاده از لیجین در صنایع امروز، تنها در ساختن کاغذ و مواد نرم کننده است. از همین سبب سالانه نزدیك به سی میلیون تن ضایع می شود.

وظیفهء اصلی این ماده در درخت و نبات این است که از آنها در برابر زنده جانهایی که باعث مریضی می شوند، دفاع نمایند. از نگاه ساختمانی این ماده به سبب داشتن زنجیره های مشابه، به ساختن مرکبات عضوی که اساس پترول به شمار میروند نیز مساعد است.

نتایج تحقیقات نو نشان داده است که مواد اولیه، صنایع کاغذ سازی الیاف، پلاستیك، رنگ، بنزین، ایتیل بنزین به کمك لیجین درخت به آسانی تولید میگردد.

از این فعالیتها نیز نتیجهء بسیار خوبی به دست آمده. از جمله، ساختن مرکباتی است که توسط زنگ زدگی و الکتروکیمیا به دست می آید. این ها را جیم اوتلی که در پوهنتون کوین ماری کار میکند، ساخته است. اوتلی ادعا میکند که مرکبهای مختلفی که در صنایع فلزات معدنی و مواد چسپناك به کار میروند، یعنی دیترجن هایی که زون مالیکولهای شان کم است، به زودترین فرصت و آسان ترین طریقه ساخته می شوند.

نتایج تحقیقات نو، نشان داده است که مواد اولیه، صنایع کاغذسازی، الیاف، پلاستیك، بنزین، و ایتیل بنزین به کمك لیجین درخت به آسانی تولید میگردد.

نکتهء قابل توجه در اینجا، این همه وظیفه و خصوصیات برای این ماده از جانب آفرینشگر بی همتا و مهربان است. شکرگزاری از آفرینندهء قادر و متعال که هزاران ماده را در خدمت انسان قرار داده است، برای مغزهای متفکر، حیثیت یك وظیفهء بزرگ را میگیرد.

شیرینی درخت:

عنصر دیگر درخت، همی - سلولوز است. این ماده هم مثل لیجین، پر برکت و کارآمد است. در تحقیقات نو دیده شده است که ماده یی که وزن مالیکولی آن کم است و زنجیر سلولوز را به شاخهء جدا میکند، در آن هست به سبب سبك بودن مالیکولها در ساختن الیاف و تارباب به کار نمی روند. اما آن گونه که برای هر ماده، یك وظیفهء خاص داده شد، همی سلولوز هم، وظیفهء خاص خود را دارد. یعنی در ساختن "ایکسی لوز" نقش مهم دارد و میدانیم که ایکسی لوز، مادهء اساسی در ساختن شکر است. این ماده یعنی ایکسی لوز با طریقه های هایدرو لیزه و یا هایدروجنتاتینگ به ایکسی لیتول تبدیل می شود. این ماده، مانند شکر، شیرین است. خوبی آن در این است که بر خلاف سکروز، باعث پوده و خراب شدن دندانها نمی شود.

صاحبان صنایع پاستیل (جوشیدنیها) و چاکلیت سازی، از ایکسی لیتول برای شیرین ساختن آنها استفاده می کنند. هرچند جدا کردن شکر و گلوکوز از مرکبات سی لولوز، آهسته و کند بوده با آن هم، ناممکن نیست.

طبق نظریه (I.C.I) انستیتوت بین المللی کیمیا گلوکوز در ساختن پروتین حجره، حیثیت یك دیپوی غذایی را دارد. دانشمندان در "انستیتوت تحقیقات انرژی آفتاب" اعلان کردند که بکتری را کشف کرده اند که نوع جدید سیلولوز را تولید می کنند.

نتایج این همه تحقیقات این است که اگر روزی ذخایر پترول زمین خلاص شود، درخت جای آن را پر میکند. یعنی تمام موادی که از پترول ساخته می شد، از درخت ساخته میشود. نابود نکردن این نعمت بخشیده شده به انسان، به اندازهء استفادهء درست از آن اهمیت دارد.

پیامبر اکرم(ص) در ۱٤۰۰ سال قبل به منظور نهال شانی و درخت پروری چنین ارشاد تابناك دارند:

«اگر میدانید که چند لحظه بعد قیامت برپا می شود، با آن هم نهالی را که به دست دارید، بنشانید.»

این ارشاد نجات بخش رسول اکرم، وظیفهء دیگری به عهده ما گذاشته است:

نهال شانی و درخت پروری.

خطر بارانهای اسید که از اثر استفادهء نادرست مواد محروقاتی فوسیل شده، به میان آمده است، در صورت استفاده از درخت به حیث مواد سوخت قابل تشویش نیست، چونکه در ترکیب درخت مادهء آلوده کنندهء هوا - سلفر دای اکساید -نظر به پترول بسیار کم است.

آیا در کائیناتی که کوچکترین ضرورت، خوردترین زنده جان مدنظر بوده، احتیاج ناگهانی انسان که برترین پایهء آفرینش الهی نصیبش گردیده، در نظر گرفته نشده است؟ آنجا که یك منبع حیاتی پایان می پذیرد، چشمه منبع حیاتی دیگر جاری می شود. اینها همه می فهماند که آفرینش انسان سرسری نیست. در برابر این همه نعمت، شناخت پروردگار ذوالجلال و تسلیم شدن به او و سر سجده ماندن به درگاه با عظمت کبریایی، برای هر انسان فرض است.

مأخذ ترجمه:

Sizintl: Eylul: 1990, yll: 12, sayl: 140, sayfa: 4367 - 434.

بقیه سرمقاله

نستوهانه قدم می گذارند.

خداوند عالمیان را سپاسگزاریم که در کنار سایر نهادها و مؤسسات خیریه یی که امروز برای قرار دادن کشور مان در شاهراه ترقی و انکشاف کوشا اند، مؤسسه CoAR به گونه یك قامت افراشته و آشکارا مطرح گردیده است تا سهم انسانی اش را درین عرصه به انجام برساند.

مؤسسه CoAR که به یاری خداوند بزرگ، مساعدت مؤسسات انساندوست و همکاری هم میهنان عزیز حال از مراحل قبلی گذار و به مرحلهء انکشافی گام گذارده است، با هم هماهنگ کردن کمکها برای افغانها و طرح پلانهای انکشافی و پیاده نمودن آنها در عمل، پیوسته در تلاش است تا هرچه سریعتر و سالمتر کار و پیکار نموده و زمینه های انکشاف و پیشرفت را در عرصه های گونه گون زنده گی مردم ما اعم از زراعت، صحت، تعلیم، و تربیه و اقتصاد و سایر عرصه های زنده گی مهیا سازد.

ما درین کار سترگ و درین امر بزرگ بعد از توفیق خداوندی، یاری و همکاری هموطنان با احساس خویش را خواهانیم تا در پرتو آنها بتوانیم پلانهای انکشافی خویش را در عرصه های تذکار یافته، به گونه مثبت و مؤثر پیاده نمائیم.

به امید روزی که بتوانیم با طرحها و پلانهای جدید و سازنده راه انکشاف بپوئیم و از میهن آزاد خود، رنج و محنت و عقب مانی را بدور افگنیم تا دیگر ویرانی ها آبادان، کشور ما گامزن در راه انکشاف و انسان بلاکشیدهء آن در امن و امان و رفاه زنده گی بسر برد.

بانوان بزرگوار و نقش آنان در امور تعلیمی و تربیتی صدر اسلام

نـوشتهء : مدینه

زن در گسترهء اندیشه و تفکر اسلامی، جایگاه والا و مرتبت جلیلی دارد مقام و منزلت زن در اسلام چنان برجسته و برازنده است که موقف و موقعیت او را به عنوان جز لاینفك زنده گی و متمم حیات انسانی در مسایل اجتماعی و حقوقی و اخلاقی و قانونی جا داده است.

آیین مقدس اسلام از همان طلوع و سپیده دم نور افشانی خویش زن را به حیث عضو مؤثر جامعهء بشری پذیرفت، در ساختار نظام والای اسلامی وی را سهیم گردانید و در امر مهم و سر نوشت ساز بیعت شریك کرد.

فرزانه گان مسلمان و تحلیل گران اندیشه و تفکر می گویند، وقتی حضرت پیامبراکرم (ص) از زن بیعت گرفت، در حقیقت به او اعلام کرد که تو یکی از خشتهای بنای جامعه یی و باید سهم خود را در استواری و نگهداری این بنیان انجام دهی.

یك محقق اندیشمند در باب مقام و منزلت زن در اسلام می نویسد که: بهترین ارج گذاری به زن در اسلام همانا سورهء مبارکهء «النساء» در کلام مقدس الهی یعنی قرآن مجید است که به نام زنان ذکر شده و در ده سورهء دیگر از قرآن کریم مسایلی مربوط به حقوق و منزلت زنان هست و همه جا در خطابات عام قرآن، زنان مورد خطاب اند و علاوه بر این از بسیاری مفاهیم قرآن می توان مطالبی در بارهء حقوق و منزلت زنان استنباط نمود، چنانچه این آیهء شریفه مبین و بیانگر آنست که زن و مرد مساویانه مسلم و مؤمن اند.

ترجمه: (هر آیینه خداوند برای مردان مسلمان و زنان مسلمان ، برای مردان با ایمان و برای زنان با ایمان، برای مردان فرمانبردار و برای زنان فرمانبردار، برای مردان راستگو و برای زنان راستگو، برای مردان شکیبا و برای زنان شکیبا، برای مردان فروتن و برای زنان فروتن، برای مردان صدقه دهنده و برای زنان صدقه دهنده، برای مردان روزه گیر و برای زنان روزه گیر، برای مردان نگاهدارندهء شرمگاه، و برای زنان نگاهدارندهء شرمگاه برای مردان یاد آورندهء خداوند و برای زنان یاد آورندهء خداوند، آمرزش و پاداش بزرگی آماده گردانیده است).

این آیهء کلام الله شریف در واقع بیان می دارد که مردان و زنان با هم برابر اند، فکر و اندیشهء شان مساویانه رشد نموده و موقف و موقعیت شان به هویت فردی واقعی و عمل شان ارتباط می گیرد و هر دو از نگاه اطاعت و پرستش خداوند که بلند ترین مرحله و عالی ترین عمل انسانی است، مساوی می-

باشند.

پس با آنچه گفته آمد، به وضاحت و روشنی می نگریم که اسلام عزیز چه پایگاه بلند و جایگاه والایی برای زن در نظام اسلامی قایل شده و چه موقعیت مناسبی در گسترش اندیشه و تفکر اسلامی از همان بامداد و فجر آیین مقدس اسلام، برای او فراهم آورده است، با باز خوانی و دقت در اوراق زرین تاریخ اسلام و مراجعه به آثار معتبر اسلامی می توان دریافت که بانوان بزرگوار و زنان مسلمان و دانشمند و خردمندی بوده اند و در درك و پخش افکار دینی و نشر احادیث نبوی و بسا مسایل عقیدتی و اجتماعی سهم برجسته و قابل توجهی داشته اند.

یکی از بانوان بزرگ اسلام شخصیت علمیْ آگاه و دانا همسر پیامبر (ص) حضرت عایشه (رض) بود که باری حضرت رسول اکرم (ص) فرمود: «نصف دین را از عایشه بیاموزید.»

آن گونه که مسلم و مسجل است حضرت عایشه صدیقه (رض) با ذهن روشن و شفاف و اندیشه نیرومند و حافظهء قوی که داشت در حدود بیشتر از دو هزار حدیث شریف را روایت کرده است.

همسران گرامی پیامبر (ص) در نشر احادیث و تعلیم و آموزش آن سهم بزرگی را به عهده داشتند و ازین لحاظ بالای مسلمانان واجد فضل بزرگی اند، و می توان گفت که یکی از وسایل بسیار مهم نشر و ابلاغ و تعلیم و آموزش مسلمین احادیث شریف می باشد.

زوجات مطهر پیامبر اسلام در اکثر اوقات در بارهء مسایل پوشیده با آن حضرت بحث و گفتگو می نمودند و از تفسیر برخی از آیات قرآنی استفسار می کردند، ممکن است یکی از حکمت های ازدواج آنحضرت با بیش از چار زن همین باشد، یعنی تا همسران آنحضرت(ص) وسیلهء نشر احکام و احادیث به ویژه در مورد زنان گردند مثل احکام غسل، نفاس، حیض و امثال آن.

ازواج مبارك حضرت رسول خدا هر کدام در نشر احکام دین سهم مهم و ارزشمندی داشته و وسیلهء عمده آموزش و تعلیم در میان مسلمین بخصوص زنان مؤمن و مسلمان بوده اند.

روایات روشن و مستدل است که در مجالس علمی حضرت پیامـبر (ص) زنان مؤمن و مسلمان و خدا پرست نیز اشتراك می ورزیدند و از احکام دین آگاهی حاصل می نمودند و در کنار آن از علم و دانش و تعلیم بهره می بردند.همچنان زنان مؤمن جهت ادای نماز های پنجگانه و استماع مسایل دینی و عقیدتی و مطالب عمده اجتماعی و بعضاً هم سیاسی، به مجالس و اجتماعات عمومی مثل نماز های عید و مناسبات دیگری حاضر می شدند. وعظ و تبلیغ را می شنیدند.

محقق خردمندی می نویسد: حضرت پیامبر اسلام (ص) زنان ، این نیمه یی از پیکرهء جامعهء انسانی را گرامی داشته، صفوف امامت را ترك میداد تا این قشر اجتماع از ارشادات بیش بهای شان محروم نمانده، صدا و آواز آن جناب را به وجه نیکوئی بشنوند.

همچنان روایت است که چون برای زنان بنابر اعذار مجالس علمی کمتر میسر می شد، لذا هیأتی از زنان نزد آنحضرت رفته، از او خواهش نمودند که یك روز را به تعلیم و ارشاد قشر نسوان اختصاص دهند. تا آنها از علم و معرفت و درك احکام و هم از چگونگی وضع اجتماعی محروم نمانند. حضرت پیامبر (ص) در خواست شان را پذیرفت و روزی از روزهای هفته را ویژهء زنان قرار داد. اما با آنهم چون احکام اسلامی هر روز و بنابر ضرورت زمان نازل می گردید.، لذا برخی از زنان مجبور می شدند که به طور جداگانه به حضور آن حضرت و به مجال علمی و وعظ حاضر گردند و از مسایل دینی خود را مطلع سازند.

آری،، زن در چشم پیامبر (ص) و در آیین مقدس اسلام شخصیت والاو مقام و موقعیت مشخص خویش را باز یافته و این بانوان بزرگ اسلامی و زنان فرزانه و خردمند مؤمن بوده اند که در زمینهء نشر احکام دین و تعلیم و تربیه و ابلاغ احادیث شریف نقش برجسته و روشنگرانه یی داشته اند.

د څارویو غذایي مواد

پوهاند داکتر عبدالقهار ثمین

د څارویو غذایی مواد عبارت د هغو موادو څخه دي کوم چي وروسته د څاریو د خوړلو څخه هضم ، جذب او یا په مصرف رسیږي . په بل عبارت سره د څارویو غذایی مواد عبارت دهغو موادو څخه دی چی څاروی یی خوری د مثال په ډول بوس او بیده دواړه چی د څارویو په وسیلې خوړل کیږی د څارویو غذائی مواد دی . داهم باید هیرنکړو چی د څارویو د غذایی موادو ټوله برخه د هضم وړنه ده . د څارویو غذایی مواد په عمومی توګه هغو موادو ته ویل کیږی چی د څارویو په وسیله په مصرف رسیږی نو ویلی شو چی ټول هغه مواد چی څاروی یی په مصرف رسوی او د هغو څخه ګټه اخلی د څارویو د غذایی موادو په نوم یادیږی.

د کروندی د حیواناتو د غذايي موادو یوه زیاته برخه نباتات او د نباتي محصولاتو څخه عبارت دی. شدی او دکبانو ځینی پودری مواد (Fishmeal) هم کله کله د څارویو په وسیلی خوړل کیږی . د څارویو ژوند په نباتاتو پوری اړه لری. نباتات ددی قدرت لری چی د ساده موادو څخه پیچلی مرکبونه جوړ کړی چی ښه مثال یی د کاربن ډای اکشاید او اوبو څخه د لمر په شتوالی کی د نبات په داخل کی د قند جوړیدل دی . په ضیایی ترکیب کی د لمرانرجی مصرفیزی خودانرجی هغه زیاته برخه په نبات کی ساتل کیږی د کیمیاوی انرجی په نوم یادیږی . نوموړی انرجی د څارویو په وسیلی استعمالیږی ځکه څاروی نباتات خوری او د هغو په وسیلی نوی حجری جوړوی نباتات او څاروی دواړه د خپل وجود په ترکیب کی ځینی ورته مواد لری چی په لاندی ډول خلاصه کیږی.

- غذایی مواد
  - اوبه
  - وچ مواد
    - عضوی مواد: کاربوهایدریتونه ، شحم، پروتین، نکلو ایک اسید، عضوی تیزابونه او ویتا مینونه
    - غیر عضوی مواد (منرالونه)

اوبه: د څارویو دوجود په سلوکی د ۷۵ څخه تر ۸۰ پوری اوبه جوړوی او داوبو داندازه په ځوانو او چاغو څارویو کی په سلو کی ۵۰ ته ټیټیږی . یو څاروی داوبو د کموالی په وخت ونظر د غذایی مواد د کموالی د کبله ژرمری . اوبه د څارویو په وجود کی دحل کونکی مادی په حیث کارکوی چی نوموړی منحل مواد دڅارویو په وجود کی حرکت کوی او یوه برخه یی دوجود څخه وزی.

ډیر انزایمی تعاملات په محلول کی د هایدرالیز په ډول سره اجرا کیږی چی د

اوبو څخه پرته هیڅ امکان نلري . څرنگه چې داوبو خاصه تودوخه (specific heat) ډیره لوړه دي بناپردي د څارویو په وجود کې یوزیات شمیر کیمیاوي تعاملونه پرته ددې څخه چې د څارویو دوجود تودوخې درجه لوړه کړي صورت نیسي ځکه دوجود اوبه زیاته تودوخه جذبوي. او به همدارنگه د تبخیر کیدو لپاره زیاتي تودوخې (Latent heat) ته اړه لري بنا پردي د پوست او شش څخه داوبو تبخیر کیدل د وجود په تودوخه باندي زیاته اغیزه کوي د ځینو حیواني او نباتي موادو کیمیاوي ترکیب په لومړي جدول کې لیدل کیږي.

لومړي جدول : په سلو کې د ځینې حیواني او نباتي موادو کیمیاوي ترکیب:

د موادو نوم	اوبه	کاروبهایدریت	شحم	پروتین	ایره
شلغم	۹۱	۷,۱	۰,۲	۱,۰	۰,۷
دغرڅابونو تازه گراس	۸۰	۱۰,۰	۱,۰	۳,۲	۲,٤
د غنمو دانې	۱۳	۷۱,۲	۱,۹	۱۲,۲	۱,۷
موم پلی	٦	۲۰,۱	٤٤,۹	۲٦,۸	۲,۲
د غوا شدي	۵۷	۰,۲	۲۰,٦	۱۷,۲	۵,۰
وینه	۸۲	۰,۱	۰,٦	۱٦,٤	۰,۷
جگر	۷٤	۱,۳	٦,۵	۱٦,۸	۱,٤
عضلات	۷۲	۰.٦	٤.۳	۲۱.٤	۱.۵
د غواشدي	۸۷,٦	٤.۷	۳.٦	۳.۳	۰.۸

د څارویو داوبو منابع عبارت د څښلو اوبو ، د غذایي موادو اوبو او میتابولیکي اوبو څخه عبارت دي . میتابولیکي او به په وجود کې د هایدروجن لرونکو کیمیاوي موادو تحمض په وخت کې جوړیږي. د غذایي موادو داوبو اندازې په لومړي جدول کې لیدل کیږي چې په سلو کې ٦-(غله جات) تر ۹۱ (شلغم، ملي او گازري) پورې رسیږي.

د فعالو نباتاتو په وجود کې داوبو اندازې د نباتاتو دودې په مرحلو پورې اړه لري . شنه نباتات پخو نباتاتو په پرتله زیاتې اوبه لري ، د زیاتو اوبو څښل د څارویو په زیان باندې نه تمامیږي ځکه څاروي عمدتاً دومره اوبه څښي چې هغوته اړه لري.

وچ مواد Dry matterials:

د غذایي موادو وچ مواد عموماً په دو گروپونو یعنې عضوي او غیر عضوي باندې ویشل کیږي . په ژوند یو حجر کې عضوي او غیرعضوي مواد دومره په آساني سره نه شي جلا کیدې ځکه زیاتره عضوي مواد ځیني ساختماني منرالي مواد لري . د مثال په ډول تول پرو تینونه یوه اندازه سلفر او زیاتره کاربو هایدریتونه او یا شحمي مواد په نباتاتو او یا څارویو کې د ځانه سره فاسفورس لري. د مثال په ډول د غرڅابو د گراسو زیاته برخه په خپل کیمیاوي تر کیب کې کار بو هایدریت لري. مو م پلی د بلې خوا په خپل کیمیاوي تر کیب کې یوه زیاته اندازه پروتین او شحم لري. د څارویو په وجود کې د کاربو هایدریت اندازه ټیټه ده ځکه دنباتاتو د حجرو دیوال عموماً د کاربو هایدریتو (Cellulose) څخه په داسې حال کې چې د حیواني حجرو دیوالونه عمدتاً پروتین څخه جوړشویدي . همدارنگه نباتات عمدتاً خپله انرجي د کاربوهایدریتو نو لکه نشایستې او فرکتان (Fructans) په شکل ساتي به داسې حال کې چې حیوانات خپله انرجي عمد تاً شحم په ډول ساتي . شحمي مواد په نباتاتو او حیواناتو کې لیدل کیږي. په څارویو کې د شحم (Fat) اندازه د څارویو دعمر په اساس تو پیرلري. په عمومي تو گه په زړو حیواناتو کې دشحم اندازه د ځوانو حیواناتو په پرتله زیاته وي. شحمي مواد (Lipid) په نباتاتو کې په لږه اندازه سره لیدل کیږي د مثال په ډول د غرڅابو نو د گراسو د شحم اندازه په سلو کې د ٤ څخه تر ۵ پورې رسیږي.

په نباتاتو او حیواناتو دواړو کې پروتین د ناتیروجني مرکباتو عمده برخه جوړوي . په نباتاتو کې د پروتین زیاتره برخه د انزایمو

په ډول سره وي چې اندازه یې په شنو نباتاتو کې د پخو نباتو په پرتله زیاته وي . د څاروېو عضلات ، پوست ، ویښتان ، ښکې ، وړی ، او نوکان پروتین لري.

نکلوایک اسید د پروتین په شان ناتیروجني مرکبات دي چې د پروتین په جوړیدو کې فعاله ونډه لري .نکلوایک اسید په ژوندیو حجرو کې دارثي معلوماتو په انتقال کې خاص رول لوبوي.

عضوي تیزابونه:

هغه عضوي تیزابونه چې په نباتاتو او حیواناتو کي لیدل کیږي د ستریک، مالیک ، فیومریک سکسنیک اوپایرویک تیزابو څخه عبارت دي. که څه هم په نباتاتو او حیواناتو کې د نوموړو تیزابونو اندازې لږې دي خو ارزښت یې ډیر زیات دی. ځینی نور تیزابونه چې په معده کې دتخمر (Fermentation) په وخت کي منځ ته راځي چې ښه مثالونه یې استیک ، پرویانوتیک، بیوتایریک او لتیک اسیدونه دي.

ویتا مینونه په نباتاتو او حیواناتو کې په ډیرو لږو اندازو سره لیدل کیږي او یو زیات شمیر یې د انزایمو نو دسیستم مرکبات دي . کله چې په نباتاتو او حیواناتو کې دویتامینونو په برخه کې بحث کوونو دا باید په یادو لرو چې نباتات خپل د ضرورت وړ ویتامینونه په خپله جوړوي ولې حیوانات د اقدرت نلري حیوانات عمدتاً ویتامینونه د باندنیو منابعو څخه اخلي.

غیر عضوي مواد:

په نباتاتو او حیواناتو کې پرته د هایدروجن، اکسیجن او نایتروجن څخه نور ټول مواد د غیر عضوي موادو په نوم باندي یادیږي. کلسیم او فاسفورس د حیواناتو په ایرو کې زیات لیدل کیږي په داسې حال کې چې پتاشیم او سلیکان په نباتاتو کې په زیاته پیمانه سره موندل کیږي.

د غذایي موادو تحلیل او تجزیه:

عصري تجزیې لکه کروموتو گرافي او سپکترو کیمیاوي تخنیکونو دا امکان پیدا کړ چې د کاربو هایدریتو ، پروتین، شحم، ویتامینو اومنرالواندازې وټاکل شي.

د غذایي موادو تجزیه:

په دی تجزیه کې غذایي مواد په شپږو گروپونو باندې په لاندې ډول سره ویشل کیږي:

د موادو نومونه	اجزاوي		
	اوبه (تبخیر کیدونکي تیزابونه او قلویات که چیرې موجود وي)		
۱- رطوبت:	د حیواناتو ضروري عناصر	په زیاته اندازه :	Cl. P, S Na, Mg,K.Ca
		په لږه اندازه :	Cr, Sc, Mo, Zn,I,Co, Cu,Mn,Fe
۲- ایرې:	د حیواناتو غیر ضروري عناصر لکه :		Sn, pb, B, V, Al, Ti , Ni, Si،

۳- کرود پروتین :

پروتین، امینو اسیدونه، اما مینونه، ناتیریتونه، نایتروجني گلوکوسایدو نه، گلایکولپیدونه، B ویتامینونه او نکلو ایک اسیدونه.

٤- په ایتر کي منحل مواد :

شحم، تیل، وکس ، عضوي تیزابونه، پگمنتونه (رنگونه) ،سترولز، د E,D,A او K ویتامینونه .

۵- کرود فایبر:

سللوز ، همای سللوز او لگنین

٦- پرته د نا یتروجن څخه :

سللوز ، همای سللوز ، لگنین ،قندونه ، فرکتانز ، نشائسته ، پیکیتین، عضوي تیزابونه، ریزین، تنین ، پگمنتونه، لاسته راغلي مواد او په اوبو کې منحل ویتامینونه درطوبت معلومول عمدتاً په سلو درجو د سانتي گراد تودوخه کې دوزن د کمیدو په اساس معلومیږي . موادتر هغه وخته پورې تودوي تر څو چې یو ه ثابت وزن ته ورسیږي . دو چولو طریقه پرته د ځینو موادو لکه Silage څخه نورو ته ښه کارکوي ، ځکه سالیج او یا ځینې نورمواد څو مره چې تودیږي یو ه اندازه مواد تبخیر کیږي.

ایره کیدل: دلته مواد په ۵۰۰ درجو د سانتي گراد کې سوځي

تر څو چې ټول کاربن يې ضايع شي نو پاتې شوني يې د ايرو په نوم يادېږي . په ايروکې ښايي يوه اندازه سلفر يا فاسفورس د عضوي موادو څخه پاتې شي او همدارنګه ددې امکان هم شته چې ځينې مواد لکه سوديم ، کلورايد، پتاشيم ، فاسفورس او سلفر د سوځېدو په وخت کې هواته تبخير شي . په همدې اساس ايرې د همدې کبله د ټولو غير عضوي موادو نماينده ګي نشي کولای.

د کرود پروتين اندازه د کلدال د طريقې د نايتروجن د اندازې څخه تخمين کېږي. په دې طريقه نوموړي مواد د ګرګروپه تيزاب کې سوځي تر څويې نا تيروجن دامونيا په شکل و ګرځي . يوه اندازه ناتيروجن د نايترايت يا ناتيريت په شکل هم پاتې کېږي.

په څارويو کې د منرالي مواد و تخميني اندازې په دوم جدول کې ليدل کېږي.

دوېم جدول: په حيواناتو کې د منرالي موادو تخمين اندازې

عناصر	په سلو کې اندازه	عناصر	ملي ګرام په يوه کيلو ګرام کې
کلسيم	۱.۵	اوسپنه	۲۰-۸۰
فاسفورس	۱.۰	جست	۱۰-۵۰
پتاشيم	۰.۲	مس	۱-۵
سوديم	۰.۱۶	منګنيز	۰.۲-۰.۵
کلورين	۰.۱۱	ايودين	۰.۳-۰.۶
سلفر	۰.۱۵	کوبالت	۰.۰۲-۰.۱
مګنيشيم	۰.۰۴	مولبدنيم	۱-۴
		سليسم	۱-۷
		کروميم	۰.۰۸

د نباتاتو دودې ضروري عناصر:

څرنګه چې نباتات د څارويو په وسيلې خوړل کېږي نو ښه به داوي چې د نباتاتو په ضروري عناصرو باندې هم لږ رڼا واچول شي د ۱۰۸ عناصرو د دې لې څخه تراوسه پورې يوازې ۱۶ عنصره ثابت شويدي چې د نبات دودې او پراختيا د پاره ضروري دي حال داچې حيوانات د خپلې ښې ودې په خاطر ۱۶ عناصرو ته اړه لري .

حيوانات د خپلې ودې لپاره سوديم، ايودين ، Se او Cr ته اړه لري په داسې حال کې چې د نوموړو عناصرو ضرورت د نباتاتو د پاره تر اوسه پورې ثابت شوی نه دی ، نباتات د اکسيجن ، هايدروجن او کاربن برسيره ۱۳ نورو عناصروته اړه لري چې هغوی په دو ګروپونو باندې ويشل کېږي:

۱- د زياتې پيمانې ضروري عناصر لکه Mg, Ca, K,P, N, او S

۲- د لږې پيمانې ضروري عناصر لکه B, Mo,Zn, Cu, Mn, Fe او Cl

د نبات يا څاروي د ضروري عناصرو معنی داده چې نبات يا حيوان د يوه ضروري عنصر د نشتوالي يا لږوالي په صورت کې خپلې عادي ودې ته دوام نشي ور کولی او د نوموړي عنصر لږوالي يا نشتوالي يوازې د نوموړي عنصر په زياتيدو څخه رفع کيدی شي . څاروي بوران ته ضرورت نلري خو نباتات د خپلې ښې ودې په خاطر د بوران يوې لږې اندازې ته اړه لري.

د افغانستان په ټولو خاورو کې نباتات لږ تر لږه د نايتروجن او فاسفورس د سرو استعمال ته اړه لري او د همدې کبله د نايتروجن او فاسفورس د سرو استعمال په افغانستان کې زيات شهرت لري. د پتاشيم د سرو استعمال هم د ځينو نباتاتو لکه کچالان او يا چقندرو د پاره اقتصادي دی. څاروي نشي کولای چې د نباتاتو په خوړلو کې ځينې عناصر و خوري او ځينې نوربې ونه خوري.

زبان و ادبیات دری در درازنای زمانه ها

تلخیص و نگارش: خدیجه صدیقی

نخست در بخش نثر:

برای آغاز نثر در زبان دری تاریخ صریح و روشنی در دست نیست تا به گواهی آن زمان پیدایش نثر را تعیین نماییم. مگر از شواهد امر چنین بر می آید که در همان هنگام که دین مقدس اسلام در سرزمین خراسان راه گشود و زبان عربی منحیث زبان علمی، دینی و سیاسی وسیلهء جهت پخش و نشر افکار و عقاید اسلامی قرار گرفت مردمان این دیار استفاده از زبان و رسم الخط پهلوی را که زبان زردشتیان این خطه بود مکروه پنداشتند و دچار تردید گردیدند. در همان حال به اندیشهء زبان دری و رسم الخط عربی افتادند. و باید نگارش هم در رسم الخط عربی از همان زمان آغاز یافته باشد که تاریخ این عهد را میتوان در حدود قرن دوم هجری تخمین کرد. مگر با کمال تأسف در این مورد آثار مکتوبی در دست نداریم که این حدس را به واقعیت قرین سازد.

کتب از قبیل "المعالجة البقراطية"، "غایه العروضیین" و "کنزالقافیه" که به زبان پارسی نگاشته شده اند در کتب و مأخذ نام برده شده است. به همین ترتیب در منابع مختلف دیگری هم به نامهای برخی از کتب دیگر بر می خوریم که تا اواسط سده چهارم هجری تألیف شده و بعد از میان رفته اند.

به هر صورت در درازنای سده ها کتابهای زیادی بدین زبان به نگارش درآمده سپس در اثر عوامل مختلف از میان رفته اند که متأسفانه امروز جز پارهء ناچیز در دست نداریم، مگر از آنجایی که پژوهشگران در پی تحقیق شتافتند تا سر رشته این پهینه را به کف آورند. کتابهای فراچنگ آوردند که میتوان مشعلی در این راه باشد.

از جمله آثار قدیمی که در زبان دری به نگارش رفته و اکنون در دست است چهار کتابی است که هر کدام را مختصراً معرفی خواهیم داشت. هر چند تاریخ این کتابها از قرن چهارم هجری بالاتر نیست مگر سلاست و شیوه نگارش آن میرساند که این زبان قدامت خیلی زیاد داشته و کتابهای دیگری هم قبل از آنها به نگارش کشیده شده که متأسفانه همه رهسپار دیار نیستی گردیده اند.

کتب مذکور عبارت اند از:

۱ - مقدمه شاهنامه ابومنصوری:

ابومنصور محمد بن عبدالله معمری، وزیر ابوعبدالرزاق

سپهسالار خراسان بود. چون ابومنصور عبدالرزاق گروهی از تاریخدانان را گردهم آورد، تا شهنامه یی ترتیب و به رشتهء تحریر در آورند، ابومنصور معمری را سرپرست ایشان تعیین کرد، هنگامی که آن شهنامه به پایهء اکمال رسید، ابومنصور معمری مقدمه یی بر آن نوشت. مقدمهء مذکور که خیلی ساده و روان نوشته شده از دیدگاه شیوه نگارش به شیوهء نثر پهلوی قرابت دارد و واژه های عربی در آن خیلی به ندرت به کار برده شده است. این اثر که در سال ۳٤٦ هـ به نبشته در آمده نسبت به سایر آثار دست داشته دارای قدامت بیشتر میباشد.

۲- ترجمهء تفسیر طبری:

تفسیر طبری که موسوم است به "جامع البیان فی تفسیر القرآن" از تألیفات معروف محمد بن جریر الطبری است. این تفسیر به امر منصور بن نوح سامانی توسط عده یی از دانشمندان ماوراًلنهر و خراسان به پارسی دری برگردانیده شده است.

پادشاه سامانی نخست از برخی از علما فتوی خواست، چون آنها فتوی دادند پس به ترجمه کتاب پرداخت.

تاریخ ترجمهء تفسیر مذکور متعلق است به اوایل نیمهء دوم قرن چهارم هجری که دارای نثر روان و سلیس بوده در برگیرندهء واژه های فراوانی از فارسی دریست.

۳- ترجمهء تاریخ طبری:

این کتاب که در غایت فصاحت و سادگیست، از تاریخ محمد بن جریرالطبری ترجمه گردیده، مگر از آنجایی که ترجمهء مذکور از بسیاری جهات تلخیصی است و مترجم از منابع جدید دیگری نیز استفاده برده و بدان افزوده، حیثیت تألیف جدیدی را به خود گرفته است. در آغاز این کتاب، سبب ترجمه آن فرمان ابوصالح منصور بن نوح سامانی وانمود شده و آغاز کار ترجمهء آن در سال ۳۵۲ هـ وانمود شده که شاید منظور از ختم ترجمهء کتاب باشد.

مترجم این کتاب ابوعلی محمد بن ابوالفضل محمد بلعمی است، که از جملهء وزرا و نویسندگان پیشتاز قرن چهارم هجری بود. وی چندی وزیر عبدالملك بن نوح بود و چندی هم وزیر ابوصالح منصور بن نوح و به امر پادشاه اخیر الذکر به ترجمهء تاریخ طبری همت گماشت.

٤- حدود العالم من المشرق الی المغرب:

این کتاب که به سال ۳۷۲ هـ به نگارش در آمده، از جمله کتابهای کهن و معتبریست که به زبان فارسی دری در کیهان شناسی (جغرافیا) به رشتهء تحریر در آمده است. کتاب مذکور که موضوعاتی از قبیل صنعت زمین و تقسیمات آن و نواحی و شهرها و اقوام گوناگون و چگونگی آنان را در بر دارد، به شیوهء خیلی زیبا و ساده نوشته شده است. مؤلف اصلی این کتاب معلوم نیست، ولی به نام ابو الحارث محمد بن احمد فریغون درآمده است. این کتاب دو بار در تهران و یك بار در کابل به سال ۱۳٤۲ هـ طبع و تکثیر گردیده است.

چنانچه گفته آمدیم و نمونه ها از آثار قدیم زبان دری را مورد مطالعه قرار دادیم، به این نتیجه میتوان دست یازید که زبان دری زبانی نبوده که یك و یکباره در قرن چهارم هجری به وجود آمده باشد و اینچنین اثار گرانبها و پرباری را از خود به جا گذارده باشد، بل راه های دور و درازی را در دل دهه ها و سده ها طی کرده تا به این حد نضج و پختگی رسیده. اما نکتهء دیگری که درخور تأمل میتواند بود اینست که به کار بردن واژه های عربی در زبان دری شاید اندکی پیشتر از این زمانه آغاز یافته، زیرا که واژه های عربی در نوشته کتب مذکور کم و بیش به کار گرفته شده که امکان دارد راهیابی واژه های عربی در زبان دری از همینجا و یا هم اندك زمانی پیشتر از این آغاز یافته و امروز به گونهء خیلی زیاد در ادبیات ما راه یافته و گاه گاهی مشکلاتی را به بار آورده، که علت تداخل آن همانا ترویج آئین اسلام و انکشاف زبان عربی منحیث زبان دینی، علمی و سیاسی بوده است مگر متأسفانه آثار دیگری پیشتر از اینها در دست نداریم، تا این حدس ما را

به واقعیت مبدل سازد.

دوم، در بخش شعر:

تاریخ شعر در زبان دری با یك مسأله، بغرنج و دشوار آغاز میبابد. از دیر زمانی بدینسو سوالاتی مطرح بحث قرار گرفته، که نخستین شعر در این زبان در کدام زمان به میان آمد؟ اولین کسی که بدین زبان شعر سرود کی بود؟ نخستین مجموعه شعری بدین زبان، متعلق به کدام دوره است؟ و سوالاتی دیگر مگر اینها پرسشهای اند که هر پژوهنده و دانشمندی نظری در این مورد ارائه نموده و هر یك با حدس و تخمین آن را به پاسخ گرفته اند. از سوی دیگر اثری در دست نداریم که گواهی ده قدامت دقیق یك پارچه شعر باشد. تا اینهمه گفته ها را کنار گذارده و به واقعیت امر آگاهی فراهم آوریم.

مؤلف مجهول "تاریخ سیستان" اظهار میدارد که قبل از دوره، یعقوب لیث هیچکس در این زبان شعر نگفته و نخستین کسی که شعر را با واژه های دری پیرایه بخشیده و به میان آورد، محمد بن وصیف سَگزیْ بود که در قصیده یی یعقوب را مدح نموده بود.

افسانه یی هم که در "لباب الالباب" آمده و به موجب آن نخستین شعر را آدم(ع) در مرثیه، هابیل به سرایش گرفته، هر چند جز و هم و پنداری نتواند بود، ولی مبین آنست که نخستین شاعر را در میان اولین بشر باید سراغ گرفت.

به هر صورت، طرز معقول و درستی که میتوان مطرح بحث قرار گیرد، اینست که شعر دری در قالب عروضی طی کدام زمان به میان آمده و نخستین دیوان یا مجموعه مربوط به کی بوده و در کدام عصر ظهور نموده است؟

ظاهراً شعر دری وزن عروضی خود را از عربی به عاریت گرفته، ولی در تمام جزئیات از آن تبعیت ننموده است و قبل از این اگر شعر و یا اشعاری وجود داشته به گونه، کامل از این ویژه گی برخوردار نبوده است.

رواج شعر عروضی نظر به اطلاعات موجوده، ظاهراً از نیمه، اول قرن سوم هجری بالا نمیرود. در قرون اول و دوم سیطره، اسلام و قدرت تازیان، مردمان این سرزمین را مجال نمیداد تا در عرصه، شعر و ادب چنانکه باید اشتغال میورزیدند. در اواخر عصر طاهریان بود که شعر عروضی در این زبان اندك مجال ظهور یافت و نام حنظله بادغیسی از ظهور شعر عروضی در این زمان حکایت می کند.

به هر صورت از اشعار دیگری، که در تذکره ها به عنوان نخستین شعر از آنها نام برده شده، جز ابیاتی چند در دست نیست. ابیات چندی هم که در تذکره ها به شعرای دیگری غیر از اینها نسبت داده شده و غالباً یکدست نیست، نیز دقیق و کاملاً قابل باور نیست و احتمال جعل و خلط و تحریف و تصرف در آنها بسیار است.

قبلاً اشاره کردیم که اقوال تذکره نویسان پیرامون نخستین شاعر دری گوی دارای اختلافات و ناهمگونی های هست، مثلاً: عوفی که یکی از تذکره نگاران بزرگ است، عقیده دارد که نخستین شاعر دری گوی بعد از اسلام ابوالعباس مروزی میباشد. ابوالعباس مروزی در هنگام ورود مامون به خراسان قصیده، سرائیده که چنین است:

ای رسانیده به دولت فرق خود تا فرقدین
گسترانیده به فضل و علم در عالم یدین
مر خلافت را تو شایسته چو مردم دیده را
دین یزدان را تو بایسته چو رخ را هر دو عین

ابوالعباس مروزی در قسمتی از قصیده، خود میگوید:

کس بر این منوال پیش از من چنین شعری نگفت
مر زبان فارسی را هست تا این نوع بین
لیك زان گفتم من این مدحت ترا تا این لغت
گیرد از مدح و ثنای حضرت تو زیب و زین

از این گفته بر میباید که پیش از ابوالعباس مروزی، شاعر

و یا شاعرانی وجود داشته و شعر یا شعرهای سروده اند، مگر نه به این شیوه و اسلوبی که ابوالعباس مروزی آن را به سرایش کشیده. برخی دیگر از تذکره نگاران معتقدند که نخستین شعر را پسر یعقوب در هنگام چهار مغزبازی سروده و گفته است:

غلطان غلطان همیرود تالب گور

به همینگونه شاعر دیگر را به نام حنظلهء بادغیسی نام میبرند و از او هم اشعاری در دست است به گونهء نمونه:

مهتری گر به کام شیر دراست
سو خطر کن ز کام شیر بجوی
یا بزرگی و عز و نعمت و جا
یا چو مردانت مرگ رویا روی

همچنان این شعر از اوست:

یارم سپند اگر چه بر آتش همی فکند
از بهر چشم تا نرسد مرو را گزند
او را سپند و مجمر ناید همی به کار
با روی هم چو آتش و باخال چون سپند

تاریخ نگاران، شعر سه مصراعی دیگری را به عنوان نخستین شعر دری آورده اند، که از طرف یزید بن مضرغ در بصره سروده شده است، و آن چنین است:

آبست و نبیذ است　　عصارات زبیب است
سمیه رو سپز است

(البته واژهء "روسپز" در برخی از کتب، به شکل "روسپی" نیز آمده است.)

این شعر یا منظومهء سه مصراعی در سال ٦٠ هـ سروده شده است و شاعر آن چندین سال در خراسان و سیستان زیست داشته است.

در این شعر یا منظومه از نظر قدامت و ترکیب واژه ها میتوان گفت که به گمان اغلب این نخستین شعر در زبان دری باشد.

دو دیگر منظومه یی هست چهار مصراعی، که به گونهء ترانهء اطفال سروده شده و انگیزهء سروده شدن آن را طبری در دو جای چنین بیان میدارد:

هنگامیکه ابومنذر اسد بن عبدالله قیری به ختلان لشکر کشی نمود، پس از نبردی سنگین از طرف خاقان ترک به شکست مواجه گردید و دوباره عقب نشینی اختیار کرد. زمانی که به سرزمین خراسان رسید، خراسانیان شعری را به گونهء ذیل سرودند که توسط کودکان شان در کوچه ها زمزمه میشد.

از ختلان آمدید　　بـرو تبـاه آمدید
آبار و باز آمدید　　خشك و نزار آمدید

که میتوان این را نیز نخستین شعر در زبان دری پنداشت؛ ولی تا آنجاییکه معلوم گردیده و دانشمندان را اندك توافقی بران بوده است، میتوان نخستین شعر عروضی دری را از محمد بن وصیف سگزی قبول کرد که در سیستان در عهد یعقوب لیث صفاری سروده شده است، و آن قرار ذیل میباشد:

اي امیری که امیران جهان خاصه و عام
بنده و چاکر مولا و سگانند و غلام
ازلی خطی در لوح که ملکی بدهی
به ابی یوسف یعقوب بن لیث همام
به بستان آمد زنبیل دلت خورد به سنگ
لتره شد لشکر زنبیل و هبا گشت کنام
لمن الملك بخواندی تو امیرا به یقین
به تلیل الفهء کت دادن از آن لشکر کام
عمر عمار ترا خواست وزو گشت بری
تیغ تو کرد میانجی به میان دد و دام

ختم

خرفه:

خرفه بخورید، خرفه زیـرکی می آورد.پیغمبر اکرم ﷺ

روایت است که پای پیغمبر(ص) به واسطهء ریگهای سوزان بیابان سوخته بود. آن حضرت(ص) پای خود را روی سبزی خرفه گذاشت، حرارت سوزش آن برطرف شد. ازین جهت پیغمبر(ص) دربارهء آن سبزی دعا کرد و فرمود: چه سبزی پر برکتی است.

خرفه بنابر داشتن مقدار زیادی آب (٪۹۰) مدر، تب بر، تصفیه کنندهء خون و تسکین دهندهء تشنگی است. مصرف خام یا پختهء آن کمك زیادی به رفع التهابات دستگاه هاضمه و بولی می کند. خوردن خرفه در مواقعی که برگشت غذا از معده به مری ایجاد سوزش می کند بسیار مفید بوده ضمناً در موارد اخلاط خونی، سرفه های مقاوم، بیخوابی، خونریزی بین دو قاعده گی اثر بسیار خوب دارد. خرفه سرشار از ویتامین های B و C است.

از برگهای کوبیده شدهء خرفه در رفع سوختگی، میخچهء پا، نیم سری، ورم چشم و غیره استفاده می شود. جویدن برگ خرفه در بهبودی و جلوگیری از خونریزی های بیره ها مفید میباشد. باید اضافه کرد که این گیاه سودمند اگر یکبار در زمین کشت گردد نه تنها اینکه در آن ناحیه سالهای متمادی میروید بلکه در بسیاری از نواحی اطراف نیز روئیده و منتشر می گردد.

پیاز

پیغمبر اکرم ﷺ فرموده است: وقتی که وارد شهر و محلی شدید از پیاز آنجا بخورید تا مرض آن محل را از شما دور کند.

پیاز بوی بد دهان را که ناشی از بد کار کردن معده است برطرف نموده، بلغم را از بین می برد. همچنان در رفع خستگی کمك نموده، اعصاب را قوی، قوهء راه رفتن را زیاد و تب را برطرف می کند. همچنان پیاز در محکم ساختن بیره و لطافت پوست بدن مؤثریت دارد.

پیاز به علت مدر بودن در مرض جمع شدن مایعـت در شکم (استقاء؟ تشمع کبرا (Cirrohse Hopatic) و آلبومینوری مؤثر است. همچنان فلم (Flamm) پیاز اشتها آور و کاهش دهندهء ناراحتی های مربوط به نفخ شکم بوده بنا بر داشتن مقدار زیادی انسولین گیاهی به نام (گلو کوکنین) کم کنندهء قند خون نیز است که این اثر پیاز با انجام دادن آزمایش های زیاد بطور قاطع مورد تائید قرار گرفته است.

پیاز نیمه پخته تسکین دهندهء سوختگی ها و بواسیر است. پیاز دارای هورمون بوده که غدد اشك و گوارشی را تقویت می کند. این مواد در اثر حرارت از بین میرود. البته پیاز پخته تاثیری در هاضمه نداشته و اشك آور هم نیست. ناگفته نماند که پیاز دارای ویتامین های A، B و C می باشد.

خربوزه

گوشت میوهء خربوزه اثر ملین (نرم کننده) داشته تخم آن خاصیت ضد گرم دارد. ناگفته نماید که استعمال زیاد آن موجب تخمیر (تخمر) در روده ها شده و ایجاد نفخ نموده که در نتیجه ایجاد درد در ناحیهء معده و روده می نماید.

خربوزه بنابر داشتن مقدار زیاد قند قابل جذب بوده، برای اشخاص مبتلا به سل ریوی و کم خونی بسیار مفید است. ویتامین A موجوده در آن سلولهای بدن را ترمیم و تجدید می کند که یکی از عوامل جوان ماندن است. خربوزه مدر بوده، عرق و شیر مادران شیرده را زیاد می نماید. گوشت خربوزه که کوبیده شده باشد یکی از دواهای مفید در سوختگی ها می باشد. خربوزه دارای مقدار زیاد ویتامین های A، B و C می باشد.

عدس

عدس دارای مواد غذایی با ارزش و کافی است و برای آنکه به صورت یك غذای کامل درآید، احتیاج به افزودن مواد چرب به آن نیست. هضم عدس به مراتب سهلتر از نخود است. عدس دارای فاسفورس، کلسیم، آهن و ویتامین های A، B و C می باشد. آرد عدس به صورت ضماد نرم کننده و از بین برندهء التهابات سطحی بدن است، برای کم خونی مفید بوده و شیر مادران شیرده را افزایش میدهد.

عدس برای کسانیکه کارهای فکری زیاد دارند، غذای سبك و مطبوع است.

« ما می خواهیم اقتصاد از هم پاشیدهء خویش را با به چرخ آوردن صنعت سر و سامان بخشیم »

گفت و شنودی با محترم حاجی شاه ولی رئیس انجمن تجاران و صنعتکاران افغانستان.

اقتصاد از هم پاشیدهء کشور غریب و بیچارهء جنگ زدهء ما در بخش صنایع از همان آوان و ابتدای مرحله نیم بند بوده و به پختگی نرسیده بود که از اثر جنگهای متواتر که سالهای متمادی را در بر گرفته و هنوز هم ادامه دارد بکلی نابود و از میان برداشته شد که حتی ماشین های فابریکه ها به شکل (کبار)جمع آوری و بفروش رسانیده شد که در ضایعات صنایع، ضایعات سکتور خصوصی نیز شامل است این سکتور نیز در همان نخستین گامهایش قربانی حوادث فوق شده رو بسوی نیستی و تباهی رفت و در نطفه خفه شد.

صنایع ملی در میهن بکلی منهدم و بخاك و خاکستر یکسان شد. ما تا اندازه یی توانستیم به شغل خود در نهایت مجبوریت دوام داده و در دیار هجرت باب مشاغل خویش را باز نگهداریم و تا اندازه یی کارهای مثبتی را جهت کمك به همنوعان خویش نموده و مینماییم.

هویداست که اساس گذاری صنایع علاوه براینکه مصارف مالی درخور توجه تقاضا میکند و به پول زیاد احتیاج دارد در پهلوی آن کارگران ماهر، مارکیت یا بازار، سهولت های تخنیکی و امکانات کمکهای دولتی، امتیازات، مواد و غیره را نیز ضرورت داشته نقدان هر یك از فکتور های فوق می تواند سدی در راه پیشرفت صنعت گردد. و یا فعالیتگاهی را از فعالیت باز ماند و آنرا به شکست مواجه سازد. باوجودیکه در کشور و وطن عزیز ما جنگ های تباه کن هنوز هم به پایان نرسیده است باآنهم تمامی سرمایه داران و تجار ملی قد علم نموده می خواهند اقتصاد و صنایع از دست رفته شانرا احیاء و پایه گذاری نمایند. آنها باین عقیده اند که اگر در وطن جنگ هم دوام دارد در پهلوی آن امید زنده گی هم موجود است وهمین اکنون در اکثر نقاط کشور ما آرامش و سکون حکمفرمایی دارد و لازم است که ما تماماً دست زیر الاشه نه نشسته به آیندهء کشور ، اقتصاد و پیشرفت و احیای مجدد کشور خود علاقه گرفته و سهم بشر خواهانه و سالم خویش را ادا نمائیم. عده زیادی از تجار و سوداگران ملی ما حاضر به خدمت بوده و حاضر اند تا سرمایه شانرا در جهت رشد اقتصاد ملی و به نفع مردم بکار اندازند.

این کار آنها مستلزم پاداش و شایسته، تقدیر است که نه تنها از طرف مردم و ساکنان کشور ما که نیازمند همچو حرکات وجهش ها هستند به گرمی استقبال می گردد، بلکه توقع می رود تا از طرف دولت هم با آنها همکاری و تشویق و رغبت بعمل اید زیرا بدون همکاری و همدست شدن دولت و مردم تجار ملی به دلگرمی نخواهند توانست به اهداف نیکخواهانه شان واصل شوند.

در این اواخر در ولایات مختلف کشور از جمله کابل، ننگرهار و کندهار تجار آن ولایات دست به اقدام شده تحرکی را در جهت تولید، انواع و اجناس تولیدی، فابریکه هایی را اعمار و یا ترمیم نموده اند که در خور ستایش است درین مورد خواستیم با محترم شاه ولی رئیس تجاران و صنعتکاران افغانستان که در این عرصه توجه جدی نموده اند گفت و شنودی داشته باشیم که اینک شما را بخوانش آن فرا می خوانیم.

ما تاجران و سرمایه داران ملی آماده گی کامل داریم که با بهبود اوضاع جنگی در کشور تامین صلح و ثبات سراسری در افغانستان نقش و رسالت عظیم ملی و وطنی خویش را در راه شگوفانی و اعمار مجدد کشور ایفا نمائیم.

سوال: خوب محترم شاه ولی رئیس انجمن تجاران و صنعتکاران افغانستان ممکن است بفرمائید که از جمله، شرکت ها و یا فابریکه هائیکه فعلاً فعالیت دارند کدام ها اند و در مورد بخشهای کاری آنها معلومات دهید خوش خواهیم شد؟

جواب: بگونه، مثال یکی ازین فابریکه ها فابریکه، سهامی (شاکر) است که با ایجاد فابریکه، صابون سازی در جلال آباد به سرمایه، ابتدائی مبلغ پنجصد میلیون افغانی به فعالیت آغاز نمود. شایان ذکر است که شرکت متذکره در سال ۱۳۷٤ تأسیس شده و تا کنون مصدر خدمات قابل ملاحظه یی به هموطنان ما شده است. هکذا شرکت وارداتی و صادراتی جمال ناصر و عرفات لمتد هم که از زمره، شرکتهای فعال بوده در رفع نیازمندیهای کشور و مردم ما علی الخصوص احتیاجات اولیه، مردم را که مشتمل بر آرد ، روغن، شکر، تیل و چای می باشد وارد و غرض استفاده هموطنان به دسترس شان قرار می دهد.

محترم شاه ولی رئیس انجمن در مورد یکی از فابریکه های احیا شده یاد آور شده و در مورد بهره برداری از فابریکه، مربوطه گفت که فابریکه ما همین اکنون در دو بخش فعالیت می کند. یکی بخش تولید صابون رخت شویی و دیگر در تولید کنجاره و تیل. فابریکه قادر است که روزانه یك و نیم تن صابون تولید نماید. در حالیکه اگر ما مواد ذیل را به وفرت و مقادیر زیاد دستیاب کنیم، تولیدات ما وسعت پیدا نموده گراف آن بالا می رود این مواد شامل پنبه دانه، زغر، شرشم، گل آفتاب پرست وغیره میباشد که در صورت دستیابی مقدار طرف نیاز قادر هستیم تا صابون تولیدی خود را به مقدار ٥ تن در روز بالا برده و به بازار عرضه نمائیم. در حالیکه تقاضای بازار هم بالاتر از رقم فوق الذکر است.

سوال: لطفاً در مورد مشکلات و پرابلم هائیکه فابریکه ها بآن مواجه اند روشنی بیاندازید؟

جواب: چنانچه در سوال قبلی نیز اشاره شد، تقاضای بازار بمراتب بالاتر از تولیداتی است که در بخشهای تولیدی مانند صابون رخت شوئی و تولید کنجاره و تیل صورت می گیرد فابریکه های دیگر نیز دارای عین پرابلم بوده که ما را از پلان عقب می اندازد. مثل فابریکه پلاستیك سازی، کشمش پاکی، صنایع چرمی، جوراب بافی پروسس وغیره ... در شرایط فعلی مشکلات زیادی در زمینه، تهیه، مواد خام برای فابریکه ها وجوددارد.

نخست عدم بدست آمدن مواد اولیه بصورت مستقیم از مراکز اصلی آن و دو دیگر خریداری مواد به قیمت بلند تر از ولایات و محلات دور دست.

سوال: از شما میخواهم تا در مورد اهمیت دانه های تیلی معلومات ارائه داشته و همچنان پلان آینده فابریکه را واضح سازید؟

جواب: دانه های نباتات تیلی که شامل پنبه دانه، شرشم،زغر و غیره می گردد از نظر اقتصادی حایز اهمیت به سزایی است. چنانچه در چرخش ماشین های تولیدی رول ارزنده یی دارد که در صورت رکود و کاستی و فقدان آن به فابریکه و سرمایه، ملی صدمه، جبران نا پذیر وارد می گردد.

قرار معلوم تمامی مواد خام را از دهاقین خریداری می نمایند و در عوض تیل تولید نموده و به آنها پول نقد، مواد کیمیاوی و قرضه می پردازند.

پلان آینده، شانرا بسط و گسترش فابریکات و تأسیسات تصفیوی آنها تشکیل می دهد. و در نظر دارند تا از پنبه دانه تیل تولید نموده (بعد از تصفیه) و از مواد فاضله، آن صابون استحصال و غرض رفع نیازمندی مستهلکین به بازار عرضه بدارند همچنان با تورید ماشین های مدرن زمینه تولید صابون دست شوئی را نیز فراهم ساخته حجم تولید را بالا برند.

همین اکنون جنسیت صابون تولید شده فابریکه قابل ملاحظه بوده و شهرت آنرا بالا برده است، غرض حفظ شهرت و نام فابریکه سعی بعمل می آید تا همه اجناس تولیدیش دارای کمیت و کیفیت عالی بوده و طرف قبول عامه، مردم در کشور قرار گیرد و هکذا بتواند تا با اجناس خارجی که دارای کیفیت کاملاً عالی نبوده رقابت نماید. قابل تذکر است که جذب پرسونل در فابریکه رو به افزایش بوده چنانچه در (فابریکه، شاکر) به تعداد ٤٥ تن پرسونل فنی شامل خدمت بوده که روز تا روز افزایش می یابد.

سوال: میخواهم در رابطه، به جمله، اخیر تان سوالی را مطرح سازم اینکه لطف نموده در مورد رابطه و سهمگیری سرمایه داران ملی اعم از تاجران، صنعتگران و متشبسین خصوصی در پروسه های رشد اقتصادی و اجتماعی جامعه و اعمار مجدد معلومات دهید؟

جواب: «این امر مسلم است که جنگ و ویران گری طی دو دهه، اخیر در کشور آبائی ما، خسارات عظیم اقتصادی و تلفات بزرگ انسانی را موجب شده است. آنچه را افغانستان در نتیجه این جنگ از دست داده و آنچه را که همه نیروهای اجتماعی و عاملین اقتصادی می توانستند در طی بیست سال اخیر بسازند تخمین آن دشوار است تقریباً تمامی سکتور های اقتصادی و اجتماعی کشور فلج گردیده است»

«سکتور زراعت که می توانست قسمت عمده، یی از نیازمندی های داخلی ما را از لحاظ فرآورده های زراعتی و تولید و پراسس بعدی آن تأمین نماید، از میان رفته است»

امروز افغانستان به عنوان یك کشور زراعتی نمی تواند حوایج ونیازمندیهای خود را از لحاظ تولیدات زراعتی و مواد خام رفع نماید. زیرا اراضی زراعتی خوار و زار شده و به عوض زرع انواع شخم های زراعتی در آنها ماین فرش شده است. سیستم ها و تأسیسات آبیاری کاملاً نابود شده اند.

کادرهای زراعتی و موسسات اختصاصی زراعتی که

میتوانند مشوره های مفید برای بهبود وضع این سکتور ارائه بدارند وخدمات زراعتی عرضه نمایند. اساساً وجود ندارد. سائر بخشها و سکتور ها اعم از تجارت ، مخابرات، مواصلات، تعلیم و تربیه وامثال آن و سائر سیستم های اداری نیز از اثر جنگ نابود و فنا گشته اند، هرگاه جنگ هنوز هم ادامه پیدا کند بدون شك افغانستان هویت ملی خویش را نیز در عرصه جهانی از دست خواهد داد. نهاد های اجتماعی و اقتصادی که می توانستند در خدمت ترقی و عمران کشور سهم ملی شانرا از طریق امکانات و داشته های ملی بگونه، موثر ایفا کنند. متأسفانه موقع آن میسر نشد. زیرا جنگ و شرایط جنگی این امکانات را محدود ساخت...

تأسیساتی که قبلاً در بخش های صنایع کوچك تولیدی اعمار و به بهره برداری سپرده شده بود آنها نیز با نتوانستند به نسبت دشواری های جنگ از ظرفیت های خویش استفاده نمایند، و با هم این پروژه ها کلاً از میان رفتند که ضرر های هنگفت مالی و اقتصادی را برای سرمایه داران ملی ببار آورد. بحر حال ما تاجران و سرمایه داران ملی آماده گی کامل داریم که با بهبود اوضاع جنگی در کشور تامین صلح و ثبات سراسری در افغانستان تلش و رسالت عظیم ملی و وطنی خویش را در راه شگوفانی و اعمار مجدد کشور ایفا نمائیم.

خرابی ها و ویرانی های وطن بیشمار اند همه نیروهای ملی و وطنپرست افغانی می توانند با درك مسؤولیت بعنوان یك قشر آگاه در باز سازی این خرابی ها سهم بگیرند.

در صورتیکه صلح سراسری تامین گردد و شرایط جنگی به شرایط صلح آمیز تعویض شود من خودم بمثابه یك فرد مسلمان و افغان در کنار سائر وطن دوستان در پروسه باز سازی و پیشرفت کشور متعهدانه سهم خواهم گرفت. چنانچه از همین اکنون پلان هایی مطرح گردیده تا در شرایط تأمین صلح پروژه هایی را در افغانستان روی دست بگیریم. علاوه بر احیای مجدد فابریکه ها ، شرکت ها و پروژه های مخروبه قبلی در نظر داریم فابریکه های ساختمانی مواد تعمیراتی، نساجی، کشمش پاکی اعمار و تأسیس نمائیم. علاوه بر آن در اعمار مجدد مکاتب و مساجد ، پلها ، بند انهار رول خود را به عنوان افراد آگاه صادقانه بازی نمائیم.

خوب محترم حاجی شاه ولی رئیس انجمن تجاران و صنعتکاران افغانستان ازینکه حاضر شدید گفتگویی را با ما انجام داده و معلومات سودمندی ارائه دارید اظهار سپاس و قدردانی نموده و موفقیت های هر چه بیشتر تان را در راه خدمت به وطن از بارگاه اقدس الهی میخواهیم. و یقین کامل داریم که با اراده، خداوند (ج) هر کاری که اقدام خیر و نیت نیك در آن باشد پیروز شدنیست.

در اخیر اگر کدام گفتنی و یا پیامی داشته باشید لطفاً بفرمائید

«ازشما نیز جهانی سپاس و امتنان می کنم در اخیر شایان ذکر میدانم اینکه دولت هم باید سهولت ها و یك سلسله شرایط بهتری را بر مبنای قوانین و تجارب قبلی بوجود بیاورد که مشوق متشبسین خصوصی ملی در امر سهم گری شان بخاطر تاسیس فابریکات در عرصه های گوناگون جهات اقتصادی اجتماعی گردد زیرا سرمایه داران ملی زمانی می توانند تکانه نیرومندی به فعالیت های تولیدی و صنعتی شان داشته باشند که مصؤنیت و امنیت اقتصادی شان تامین گردد که در این رابطه توجه مقامات عالیه را خواستاریم.

(جیلانی گزار شگر فصلنامه، انکشاف

چیزی بیاموزیم

مجمع عمومی یعنی چه؟

سازمان ملل متحد که پس از ختم جنگ دوم جهانی یعنی در سال ۱۹٤۷ میلادی اساس نهاده شد دارای شش رکن عمده می باشد:

-شورای امنیت
- شورای اقتصادی و اجتماعي
- شورای قیمومیت
-محکمهء بین المللی عدالت
- مجمع عمومي

جلسات درین شوراها بصورت منظم همواره دایر می گردد، اما گاهی که مسأله یي عمده در کشورهای عضو این سازمان بوجود بیاید، این شوراها به گونهء فوق العاده جلسات خویش را دایرمی کنند.

مجمع عمومی ملل متحد که از ارکان بر جسته و عمده این موسسه جهانی است می تواند هر موضوعی را که در منشور ذکر شده باشد یا به صلاحیت و وظایف هر رکن ملل متحد ارتباط داشته باشد، مورد بحث قرار دهد. مجمع عمومی به صورت خاص می تواند روی این موضوعات بحث نماید:

- اصول عمومی همکاری به منظور صلح و امنیت بین المللی به شمول موضوع خلع سلاح و هر موضوعی که با صلح و امن بین المللی ارتباط داشته باشد، به جز مسأله یي که در عین وقت در شورای امنیت نیز مورد بحث می باشد.
- مسایل همکاری بین المللی دول
- مسایل مربوط به حقوق در موارد اقتصادی ،اجتماعي، فرهنگي،تعلیمی وصحی همچنان پذیرفتن اعضاي جدید به اثر پیشنهاد (شورای امنیت) و تعیین سر منشی موسسه ملل متحد از وظایف و صلاحیت های مجمع عمومی می باشد، بودجهء ملل متحد نیز از سوی مجمع عمومی تعیین و تصویب می گردد. واین را هم مجمع عمومی فیصله می نماید که هر یك از اعضا به چه مقدار حق العضویت بپردازند.

در مجمع عمومی هر کشور حق یك رأی دارد، ولی هر یك از کشور ها می توانند تا پنج تن از نماینده گان خود را در جلسات آن بفرستند، مسایل عادی مورد بحث به اکثریت آراء و موضوعات مهم به اکثریت دو ثلث آراء در مجمع عمومی به تصویب می رسد.

کاغذ...

مصریها از نی های روییده شده در دلتای نیل به نام «بردي» کاغذ پاپیروس درست می کردند و از سده های پیش از میلاد تا ده و دوازده قرن پس از میلاد،همین کاغذ برای نوشتن مورد استفادهء آنها و پاره ئی از کشور های همسایه، یونان و روم بود.

چینایي ها که نخستین کشور سازندهء کاغذ هستند، تا پیش از ساختن کاغذ که به حدود سدهء دوم میلادی می رسد، نوشته های خود را، بیشتر به روی پوست سنگ پشت و استخوانها می نوشتند.

کاغذ پوستی که از پوست گاو و گوسفند و آهو و سایر حیوانات تهیه می شده از صد ها سال پیش از میلاد معمول بوده.

و به همین ترتیب بعد از طی مراحل مختلف و وسایل گوناگونی که ملت ها برای ثبت آثار شان بکار می بردند، کاغذ به میان آمد، اسرار ساختن کاغذ تا سال ۷۵۱ میلادی که تعدادی از چینایي ها اسیر مسلمانها شدند برای چینائی ها باقی ماند. ازین سال به بعد تعدادی از اسیران چینایي که به سمرقند برده می شدند، به فن کاغذ سازی آشنا بوده و آنرا در سمرقند رواج دادند. و از کتان و شاهدانه کاغذ تهیه میکردند.

صنعت کاغذ سازی از خراسان به بغداد، بعد به مصر رفت و از آنجا مراکش و اندلس و ایتالیا ... کهنترین نوشتهء روی کاغذ یکی از نامه های (ژوئن ویل) است که در سال (۱۲۷۰) میلادی چند روز پیش از مرگش نوشته شده.

صنعت کاغذ سازی توسط مسلمانان به اروپا برده شد.

از پلانگذاری تا انکشاف

فرهنگ، اقتصاد و جامعه

تتبع و نگارش: حنانه

مسأله نوسازی جامعه و از میان بردن عقب مانده گی در جهات مختلف زنده گی امروزي، بدون شك اساسی ترین مسأله یی است که جوامع عقب مانده و کمترین انکشاف یافته با آن رو برو اند. این مسأله قبل از همه به شکل پیشرفتها و تحولات قابل ملاحظه اقتصادی تبارز می کند، کشوری که بتواند عقب مانده گی اقتصادی را از میان بر دارد، در راه رسیدن به شاهراه انکشاف اجتماعی و فرهنگی نیز با مشکلی مواجه نخواهد گردید، کشوری که سطح تولید و چگونه گی آن را بهتر سازد مسلماً می تواند سطح زنده گی مردم را ارتقاً بخشد. همراه با از بین رفتن فقر و تنگدستی، مشکلات و نابسامانی های دیگری از میان خواهد رفت، ولی این نکته قابل یاددهانی است که مبارزه با عقب مانده گی از یکسو و راه یابی به انکشافات اجتماعی و فرهنگی از جانب دیگر نیازمند یك سلسله شرایط خاصی است که نخست باید تشخیص و سپس در روشنی آن راههایی حل مناسب جستجو گردد.

در حال حاضر تقریباً در تمام محافل علمی و سیاسی جهان، به ویژه کشورهایی که بصورت جدی می اندیشند، این حقیقت بدون هیچ تردیدی پذیرفته شده که پلانگذاری انکشافی و تطبیق آن مطابق به شرایط جامعه یگانه راه حل مشکل عقب مانده گی است.

از جانب دیگر عواملی موجود است که انکشاف و تحول جوامع عقب مانده را به جوامع مترقی و پیشرفته به یك فاصلهء زمانی کوتاه تر ممکن می سازد، البته منظور از فاصلهء زمانی کوتاهتر چند سال محدود نیست، این مسأله بصورت نسبی می تواند مطرح باشد.

یکی ازین عوامل، وجود زمینهء های تعاون و مشارکت و تشکیل اجتماعات کوچك در روستاهاست. روستاها که در کشورهای عقب مانده فیصدی اعظمی ساحات را تشکیل میدهد از چندین نگاه قابل توجه و دقت است، می توان به خاطر رشد و انکشاف جوامع از امکاناتی که در دهات و روستاها موجود است حد اکثر استفاده را نمود، به گونهء مثال چون در قریه ها و دهات، جامعه ایستایي است و روابط اعضای جامعه با هم خیلی نزدیك می باشد می توان به ایجاد کوپراتیفها و تشکل اتحادیه ها به خاطر اشتراك مساعی اهالی روستا و بکارگیری نیروی انسانی آنها، دست یازید که این گونه فعالیت ها به ذات خود می تواند در راه انکشاف و

بازسازی به ویژه جوامع از هم پاشیده نظیر جامعه ما سودمند واقع گردد.

یکی از دانشمندان عرصهء اقتصاد و انکشاف چنین نظریاتی ارائه نموده است:

«چگونه گی پلانگذاری و رهبری حیات اقتصادی و اجتماعی از یك زمان تا زمان دیگر و از یك کشور تا کشور دیگر تفاوت می کند، مهمترین مسأله هم در کار پلانگذاری انکشافی همین دقت لازم در امکانات موجود و استفادهء اعظمی از آنهاست.»

می توان عده یی از پرنسیپ های پلانگذاری را بصورت عام در مورد کشورهای رو به انکشاف حتمی دانست، مثلاً در گام نخست پلانگذاری درین کشورها مستلزم صرفه جویی و سختگیری در مصارف است، البته آن نوع مصارفی که صرفه جویی در ان زیان کلی نداشته باشد.

در حال حاضر تقریباً در تمام محافل علمی و سیاسی جهان، به ویژه کشورهایی که بصورت جدی مـی اندیشند، ایـن حقیقت بدون هیــچ تردیــدی پذیرفتــه شــده که پلانگذاری انکشافی و تطبیق آن مــطابق بــه شرایط جامعه یگانه راه حل مشــکل عقب مانده گــی است.

همچنان تناسب میان صنایع و زراعت مسأله خیلی مهم و قابل دقت است، به نظر دانشمندان عرصه اقتصاد و پلانگذاری طرح این پرسش که آیا برای پیشرفت و انکشاف یك جامعه صنعت رول عمده دارد یا زراعت، نادرست است، زیرا پیشرفت اقتصادی بدون صنعت امکان پذیر نیست و از طرف دیگر انکشاف صنعت خود محتاج پیشرفت زراعت است، همانگونه که پیشرفت در زمینهء صنایع از مشکلات زراعت می کاهد.

این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که یك کشور عقب مانده در نخستین قدمهای انکشافی خود بایست شدیداً به انکشاف زراعت توجه نماید. البته وقتی انکشاف زراعت می گوئیم منظور از تحول در شیوهء تولید زراعتی است، نه اصلاحات سطحي و کمیت در حاصلات. و برای این کار ضرورت می افتد تا پلانگذاری به گونه علمی و دقیق صورت پذیرد، پلانگذاری طبعاً نمی گذارد که منابع گزاف، صرف مصارف غیر ضروری و تجملی شود.

از طرف دیگر تناسب میان انکشاف اجتماعی و انکشاف اقتصادی از مسایل اساسی پلانگذاری است، جوامع انسانی و به ویژه کشورهای عقب مانده در کنار انکشاف اقتصادی به انکشاف فرهنگی نیاز دارد که بایست در امر پلانگذاری برای پیشرفت یك جامعه به آن جداً توجه داشت. در قدم اول محو بیسوادی از ضروریات عمده به حساب می رود رشد فرهنگی ملی اعم از فرهنگ مادی و معنوی از جمله زمینه هایی است که راه پیشرفت و انکشاف جامعه را بسوی ارتقای سطح اقتصادی باز مینماید. هرگاه در یك جامعه فرهنگ و تعلیم و تربیه رشد نکند، هرگاه مردم یك کشور آگاهانه مسوولیت های شان را در قبال جامعه شان درك نکنند و بالاخره هرگاه سطح دانش در یك کشور ضرب صفر شود، محال است که به انکشاف اقتصادی آن امیدوار بود.

پس ما از مطالب ذکر شده چنین نتیجه می گیریم که انکشاف یك کشور عقب مانده در قدم نخست ایجاب پلانگذاری منظم را نموده و در قدم دوم ایجاد تناسب میان انکشاف اجتماعی و اقتصادی می تواند برای پیشرفت این گونه جوامع سودمند و مدد رسان باشد، البته با تأکید بر این موضوع که باوجود ارجحیت دادن به سکتور زراعت در همچو کشورها، صنعت را نیز نباید از پلان دور نگهداشت. که با طرح چنین پلان ها و ایجاد روحیه همکاری بین مردم به ویژه در میان مردم روستاها می توان به نتیجهء مطلوب نایل آمد.

گزارشها و رخدادها

** به تاریخ ۲۸ جنوری سال روان، ورکشاپی به خاطر تبادل تجارب و اندوخته های امور ساختمانی انجنیران موسسات عضو NCA گشایش یافت.

در این ورکشاپ که در دفتر NPO, RRAA دایر گردید، از جانب موسسه CoAR محترم انجنیر محمد نبی، محترم انجنیر عبدالحلیم و محترم میر امان الدین حیدری شرکت ورزیده و در مورد دو پروژهء ساختمانی خویش برای شاملین ورکشاپ معلومات همه جانبه ارائه نمودند.

■ به خاطر تجدید نظر و تنظیم بهتر جریان سیستم مالی و حسابی موسسه ورکشاپی تحت عنوان Finance Consultancy از طریق کمپنی MASA در دفتر مرکزی CoAR در شهر پشاور دایر گردید.

درین ورکشاپ که از تاریخ ۸ فبروری تا ٤ مارچ ۱۹۹۹ ادامه یافت مجموعاً نه تن از محاسبین و منیجران RDC ها از ساحه و سه تن از دفتر مرکزی اشتراک نموده بودند.

در پایان ورکشاپ مسئول محاسبه و اداره ترتیب و به تمام شعبات حسابی جهت عملی ساختن گسیل گردید.

جریان و نتیجهء کار وقتاً فوقتاً از جانب محترم غلام نبی صدیقی مشاور تخنیکی محاسبه و محترم فضل قادر مسوول محاسبهء موسسه CoAR مونیتور و ارزیابی می گردد.

■ موسسه CoAR همه ساله با شرکت کارمندان خویش ورکشاپی را دایر و در آن روی تجارب، مشکلات و نظریات و پیشنهادات وارده بحث و ارزیابی اجراات و فعالیت های سال گذشته صورت می گیرد که به همین اساس به تاریخ ۱۵ و ۱٦ اپریل سال ۱۹۹۹ ورکشاپی سالانهء ۱۹۹۸ با شرکت ۲۱ تن از کارمندان دفاتر ساحوی و دفتر مرکزی در دفتر مرکزی CoAR در پشاور دایر گردید. درین ورکشاپ قسمی که گفتیم روی برخی از مشکلات و پیشنهادات جر و بحث صورت گرفته و از مفاد آن استقامت های کاری آینده و پلان های بعد تعیین گردید.

نکتهء قابل یاددهانی درین ورکشاپ این است که دانشمند محترم دوکتور عبد الوکیل به عنوان مهمان خاص شاملین ورکشاپ را افتخار بخشیدند، البته اشتراک همچو شخصیت های علمی می تواند موارد استفاده از ورکشاپ را به گونه مؤثری بالا ببرد.

■ به منظور بلند بردن و افزایش دانشها و مهارتهای کارمندان موسسات در تطبیق طریقه و اساسات ارزیابی مشارکتی به صورت علمی، به تاریخ ۸ اپریل کورس ارزیابی امور از طرف موسسه محترم NPO, RRAA در پشاور دایر گردید.

درین ورکشاپ که تا تاریخ اول ماه می سال روان ادامه یافت از جانب موسسه CoAR محترم اسد الله ملاخیل مشاور تخنیکی زراعت و ترویج اشتراک نموده بودند.

■ به خاطر بهبود کار و امور موسسه CoAR، طی شش ماه اول سال ۱۹۹۹ و ارزیابی همه جانبه یی از سوی شخص دایرکتر موسسه، پروگرام کواردیناتور و مسوول محاسبه از کار

و فعالیت این موسسه در ساحه صورت گرفت که نتیجه این ارزیابی ضمن رهنمایی ها و مشوره های لازم در اختیار کارمندان گذاشته شد.

■ از تاریخ ۱۹ الی ۲۱ می سال جاری کار و فعالیت و جریان امور موسسه CoAR در ساحه توسط هیأت مختلط از رهبری NCA ارزیابی و مونیتورنگ گردید که در نتیجه ضمن سفارشات و مشوره های سودمند از کار و فعالیت این موسسه ستایش و تقدیر به عمل آمد.

مسوولین CoAR ازین مشوره های صمیمانه ابراز سپاس نموده و آرزو دارند تا هر چند گاهی کار شان ارزیابی و از رهنمائی های اثرمند مستفید گردند.

■ روشن است که داشتن ستراتیژیك پلاننگ از نیازمندیهای مبرم و کلید موفقیت در کار موسسات می باشد، برای اینکه موسسه CoAR بیشتر از پیش ستراستیژیکلی عمل نموده و ستراستیژیکلی فکر کند، ورکشاپی از تاریخ ۱۷ - ۲۹ اپریل تحت عنوان (ستراتیژیك پلاننگ) در مرکز موسسهء CoAR در پشاور دایر گردید.

درین ورکشاپ که به کمك مالی موسسهء محترم NCA تدویر یافت به تعداد ۲۱ تن از کارمندان مرکزی و ساحوی موسسهء CoAR اشتراك داشتند.

■ تاریخ جوامع بشری گواه بران است که انسانها برای نظم و نسق جامعه و تداوم موفقانهء زنده گی اجتماعی نیاز بر وضع قوانین و ضوابط دارند. با پیشرفت علم و تکنالوجی و ضروریات روز افزون بشری قوانین اجتماعی نیز سیر تکاملی خود را می پیماید و نظر به شرایط زمان و مکان تغییر میپابد. مطابق این نیازمندی موسسه هماهنگی کمکها برای افغانها موفق به طرح و ترتیب لوایح و ضوابط عمومی جهت منسجم ساختن امور، برای کارکنان خود گردید. در جنوری سال روان لوایح مذکور به نسبت نیازمندیهای اداره مجدداً مورد بحث قرار گرفت که با همکاری پرسونل دفاتر ساحوی و دفتر مرکزی نظر به تجارب آنها در آن اصلاحات لازمه صورت گرفت.

لوایح و ضوابط مذکور به لسانهای دری و انگلیسی تهیه گردیده است و دارای ۸ بخش میباشد که شامل یك مقدمه و تاریخچهء مختصر دفتر هماهنگی کمکها برای افغانها، تشکیلات اداره، تقرر و تبدل و انفکاك اعضاء، تنظیم اوقات کار دفتر برای اعضای اداره، حقوق و امتیازات کارکنان، مجازات و مکافات، امور اداری و مالی اداره و احکام متفرقهء آن میباشد.

ترتیب لایحهء وظایف و مسولیت های کارکنان نیز جزء لوایح و ضوابط بوده و به صورت جداگانه به لسانهای دری و انگلیسی تهیه گردیده است. نشریه های لوایح و ضوابط و لایحهء وظایف و مسوولیت های کارکنان موسسه CoAR طور جداگانه طبع و به دسترس دفتر ارتباطی کابل، دفتر های انکشاف دهات سید آباد، بره کی و بختور شهید در مقر قرار داده شده تا طبق آن در امور مربوطه اجراآت نمایند.

طوریکه تمام مؤظفین و همکاران موسسه CoAR می توانند نظریات، انتقادات و پیشنهادات خویش را به مسولین ابراز دارند، بنابران، یك بار دیگر اعضای دفاتر مرکزی و ساحوی حق دارند تا پیشنهادات و انتقادات سالم خود را در مورد بهتر شدن لوایح و ضوابط ابراز داشته تا نظر به آن تعدیلات لازمه به عمل آید.

■ به سلسله پروگرام های انکشافی سال ۱۹۹۹ مؤسسه CoAR غرض متکی شدن مردم به خود کورس تربیهء دایه های محلی (TBA) به تاریخ ۱۳ می ۱۹۹۹ در سید آباد آغاز یافت. درین کورس که به شکل نظری و عملی از طرف استادان مجرب پیش برده می شود به تعداد ۱۳ خانم از هفت قریهء مختلف نواحی ولسوالی سیدآباد اشتراك دارند. ناگفته نماند که این پروگرام بر علاوهء اینکه جامعه را از لحاظ حل مشکلات ولادی خانم هـا، متکی به خود خواهد ساخت، Out-come آن برای حل مشکلات زنان دهات و رسانیدن کمك های عاجل به شکل دوامدار باقی خواهد ماند.

■ برای افزایش معلومات و مهارت های مسلکی اولی مالداران کورس تربیوی یك هفته ای BVW از جانب متخصیصن وترنری و مالداری مرکز انکشاف دهات سیدآباد از تاریخ ۱۷ - ۲٤ می ۱۹۹۹ دایر گردید. درین کورس از ۱۲ قریه به تعداد ۱٦ نفر مالدار با سواد اشتراك نمودند. تا در صورت بروز واقعات عاجل مالداری در قرأ مربوط مصدر خدمت به مالداران گردند.

INKESHAF

PUBLICATION OF THE COORDINATION OF AFGHAN RELIEF (CoAR)

FOURTH YEAR JANUARY-JULY, 1999 VOL 13-14

IN THIS ISSUE

PUBLISHED BY:
Coordination of Afghan Relief (CoAR)

ADDRESS:
19-Chinar Road University Town Peshawar. P. O. Box 1013 (UPO)
Ph: 91-40789, Fax: 91-42789,
email:: coar@coar.pwr.sdnpk.undp.org
coarnet@psh.brain.net.pk

NOTE:
The editor of Inkeshaf will be pleased to receive contributions from interested professionals, regarding resettlement of peace and the rehabilitation of Afghanistan, the editors are especially interested in the practical aspects of rebuilding Afghan educational, health, agricultural and other infrasturctural systems. The editors believe that Inkeshaf can be a source of useful information enabling people to enrich their ideas and assist in the reconstruction of Afghanistan. All contributions will be gratefully received.



Coordination of Afghan Relief

INKESHAF

Quarterly
Vol: 13-14
1999

CoAR would like to thank those who have helped and are still helping the hopeless population of Wardak & Logar since February 1999